

Submit Date: 07 April 2026  
Revise Date: 03 September 2026  
Accept Date: 10 September 2026  
Initial Publish: 07 October 2026  
Final Publish: 20 February 2027

# The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

## Examining the Foundations and Necessities of Criminalizing Soil Transfer and Its Legal Challenges

Mohammad Sadeghpour<sup>1</sup>, Mohammad Reza Rahmat<sup>2\*</sup>, Ruhollah Bakhtjoo<sup>3</sup>

1. PhD Student in Criminal Justice and Criminology, Law Department, Ya.C., Islamic Azad University, Yazd, Iran

2. Associate Professor Department of Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran

3. Department of Law, Taft.C. Islamic Azad University, Taft, Iran

\* Corresponding Author's Email: Rahmat@meybod.ac.ir

### ABSTRACT

This article examines the foundations and necessities of criminalizing soil transfer and the associated legal challenges. Due to their strategic and vital role in countries' sustainable development, soil resources have become a key component of national economies and national security. This issue requires special attention from legislators with respect to criminalization and the imposition of proportionate penalties within the framework of a comprehensive criminal policy. Using a descriptive-analytical method, the present study examines the legislative foundations and necessities as well as the penalization of soil-transfer offenses and analyzes the existing legislative, executive, and judicial challenges. Iran's criminal policy toward soil-transfer offenses requires an integrated approach combining legislative, participatory, judicial, and differential measures. In this regard, it emphasizes legislation for soil protection, the utilization of the capacities of civil society institutions and public participation, and a preventive approach by the judiciary in cooperation with other institutions. The findings indicate that the legislative framework governing soil transfer, from the perspective of Iran's legislative criminal policy for combating soil-transfer offenses, requires rigorous and stringent legislation, effective penalization, the use of specialized judges, an efficient prevention system, and interinstitutional cooperation consistent with Iran's criminal justice system. The adoption of a comprehensive authoritative criminal policy in the field of soil transfer is necessary, with particular emphasis on enacting explicit laws, imposing decisive penalties, and establishing specialized security institutions for soil protection. The results further indicate that the precise formulation of the foundations and necessities of legislation governing soil transfer can serve as a guideline for policymakers and justice administrators and, through reforms in the criminal justice system, enhance both the effectiveness of responses to soil-transfer offenses and their prevention.

**Keywords:** foundations of criminalizing soil transfer, legislative necessities, criminal policy, legal challenges.

How to cite: Sadeghpour, M., Rahmat, M. R., & Bakhtjoo, R. (2026). Examining the Foundations and Necessities of Criminalizing Soil Transfer and Its Legal Challenges. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(6), 1-40.



تاریخ ارسال: ۱۸ فروردین ۱۴۰۵  
 تاریخ بازنگری: ۱۲ شهریور ۱۴۰۵  
 تاریخ پذیرش: ۱۹ شهریور ۱۴۰۵  
 تاریخ چاپ اولیه: ۱۵ مهر ۱۴۰۵  
 تاریخ چاپ نهایی: ۱ اسفند ۱۴۰۵

## دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

# بررسی مبانی و ضرورت های جرم انگاری انتقال خاک و چالش های حقوقی آن

محمد صادقپور<sup>۱</sup>، محمدرضا رحمت<sup>۲</sup>، روح الله بخت جو<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران

۳. گروه حقوق، واحد نفت، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

\* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Rahmat@meybod.ac.ir

## چکیده

این مقاله متکفل بررسی مبانی و ضرورت های جرم انگاری انتقال خاک و چالش های حقوقی آن می باشد. منابع خاک به دلیل نقش استراتژیک و حیاتی خود در توسعه پایدار کشورها، به بخش های کلیدی اقتصاد و امنیت ملی تبدیل شده‌اند. این موضوع نیازمند توجه ویژه قانون‌گذاران در حوزه جرم‌انگاری و کیفرگذاری متناسب در پرتو سیاست جنایی همه جانبه است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، مبانی و ضرورت ها تقنینی و کیفرگذاری جرایم انتقال خاک را بررسی کرده و چالش های تقنینی، اجرایی و قضایی موجود را تحلیل می‌کند. سیاست جنایی ایران در قبال جرایم انتقال خاک، مستلزم رویکردی ترکیبی از تدابیر تقنینی، مشارکتی، قضایی و افتراقی است. در این راستا، قانون‌گذاری در حفاظت از خاک، استفاده از ظرفیت نهادهای مدنی و مشارکت مردم و همچنین رویکرد پیشگیرانه قوه قضائیه با همکاری سایر نهادها را مد نظر قرار دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدل مبانی تقنینی انتقال خاک از چشم انداز سیاست جنایی تقنینی ایران در مقابله با جرایم انتقال خاک نیازمند قانونگذاری متنقن و سختگیرانه و کیفرگذاری کارآمد، بهره‌گیری از قضات متخصص، نظام پیشگیری مؤثر و همکاری با سایر نهادها هم خوان با نظام کیفری ایران است. ضرورت اتخاذ سیاست جنایی اقتدارگرای فراگیر در حوزه ی انتقال خاک، تأکید بر وضع قوانین صریح، مجازات‌های قاطع و ایجاد نهادهای امنیتی تخصصی برای حفاظت از خاک ضروری است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که تدوین دقیق مبانی و ضرورت ها قانونگذاری انتقال خاک می‌تواند به عنوان راهنمایی برای کارگذاران و مجریان عدالت عمل کرده و با تحول در نظام کیفری، اثربخشی و پیشگیری از جرایم انتقال خاک را ارتقا دهد.

**کلیدواژگان:** مبانی جرم انگاری انتقال خاک، ضرورت های تقنینی، سیاست جنایی، چالش های حقوقی.

نحوه استناددهی: صادقپور، محمد، رحمت، محمدرضا، و بخت جو، روح الله. (۱۴۰۵). بررسی مبانی و ضرورت های جرم انگاری انتقال خاک و چالش های حقوقی آن. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴(۶)، ۱-۴۰.



و تأثیرات منفی بلندمدت بر وضعیت محیط‌زیست محسوب می‌شود و حل آن نیازمند اتخاذ تدابیر اساسی، منسجم و مؤثر از سوی تمام بازیگران این عرصه است. لذا حفاظت از خاک و مبارزه با فرسایش و تخریب آن از ضروری‌ترین اقدامات هر کشور در راستای تحقق توسعه پایدار محسوب می‌شود. (Vahedi &

Lorkajouri, 2019)

انتقال بدون مجوز خاک، تخریب جنگل‌ها، بیابان‌زایی از جمله جرایم عمدی زیست‌محیطی می‌باشند و یا اینکه به صورت غیرعمد و از روی سهل‌انگاری و عدم مدیریت صحیح منابع به وجود آمده‌اند. از آنجایی که حیات انسان و جامعه به محیط‌زیست وابستگی دارد، از این رو حمایت از آن از جمله مسائل حائز اهمیت به شمار می‌رود. از این رو لازم است که در زیر چتر حمایتی قانون قرار گیرد تا راهی باشد برای جلوگیری از آسیب‌های فراوانی که به آن وارد می‌آید. تعیین مقررات و ضوابط و مسئول شناختن اشخاصی که موجب وارد شدن ضرر و زیان به محیط‌زیست می‌شوند و همچنین مجازات آنان و به‌طور کلی توسل به دانش حقوق در این زمینه در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی می‌تواند موجب کاهش آسیب‌های جدی به محیط‌زیست شود. به دلیل اهمیت فراوان مسائل مرتبط با محیط‌زیست و جلوگیری از قاچاق و انتقال منابع باارزش خاک، این مسئله در قانون اساسی و قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست گنجانده شده است، آن‌طور که مطابق اصل پنجاهم قانون اساسی ضمن اینکه حفاظت از محیط‌زیست وظیفه‌ای همگانی شمرده شده است، فعالیت‌های اقتصادی و هر آنچه که موجب آلودگی و تخریب غیرقابل‌جبران شود ممنوع می‌باشد. همچنین ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست نیز هر عملی که موجب آلودگی محیط‌زیست شود را ممنوع اعلام کرده است. همچنین در ماده ۲۱ لایحه حفاظت از خاک آمده است: انتقال و فروش خاک به خارج از کشور ممنوع است. مرتکب به یک یا دو مورد از مجازات تعزیری درجه (۵)

در دهه‌های اخیر انتقال و قاچاق خاک به یکی از تهدیدهای زیست‌محیطی کشور تبدیل شده که منجر به از دست رفتن خاک، آب و عناصر غذایی موجود در خاک شده است. در این تحقیق به بررسی مبانی جرم‌انگاری کیفری حفاظت از خاک و ضرورت‌های جرم‌انگاری در این راستا و چالش‌های فراروی آن پرداخته‌ایم. خاک توده طبیعی متشکل از مواد معدنی و خاکی، آلی و موجودات زنده، همچنین دربرگیرنده هوا و آب است که در اثر عملکرد فرایندهای مختلف شیمیایی، فیزیکی و زیستی پدید می‌آید و به لحاظ تفاوت در نحوه فعالیت فرایندهای مختلف و همچنین تأثیر عوامل متعدد بیرونی و داخلی، نوع و ویژگی‌های آن متفاوت است. خاک از منابع طبیعی و محدود زمین است و پس از آب و هوا، مهم‌ترین جزء محیط‌زیست محسوب می‌شود. اهمیت و نقش خاک در تغییرات آب‌وهوایی، فرسایش زمین، امنیت غذایی و نیز اکوسیستم بسیار حیاتی است. با توجه به خاک به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع طبیعی و جرایمی که موجب به سرقت بردن خاک می‌شود، دولت را بر آن داشت تا در جهت حفاظت از این منبع مهم و خدادادی قانون مربوط به آن را تصویب نماید. فعالیت‌های انسانی طی سالیان اخیر با توسعه فناوری و پیشرفت‌های صنعتی موجب قاچاق و انتقال بدون مجوز خاک شده است.

(Iravaniyan et al., 2021)

حقوق جزا را می‌توان از جمله مهم‌ترین ابزارهای حمایت از ارزش‌های اساسی به شمار آورد. بنابراین اعمال شیوه‌های کیفری این قانون می‌تواند راهی برای کاهش جرایم زیست‌محیطی انگاشت. همچنین وجود ضمانت‌اجراهایی که در قانون حفاظت از خاک در نظر گرفته شده است موجب کاهش آمار جنایات علیه محیط‌زیست می‌گردد. تخریب خاک صرفاً یک پدیده منطقه‌ای به شمار نمی‌رود، بلکه به علت تعدد و دامنه آثار آن، یک مسئله حائز اهمیت است. تخریب زمین به صورت یکسانی علت و معلول فقر

## ۱- مفهوم انتقال بدون مجوز خاک و حیطه‌های آن

انتقال عبارت است از واردات و صادرات کالا و هر چیزی که به موجب قانون واردات یا صادرات آن ممنوع یا در انحصار دولت است یا بدون تشریفات و مقررات قانونی و پرداخت عوارض و حقوق گمرکی وارد یا صادر شده باشد. خرید و فروش و حمل و نگهداری این کالا در مواردی که قانون صریح بیان داشته است نیز در حکم انتقال است. (Kardavani, 2003) اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۷۹۸۷ مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۹۵، انتقال را این‌گونه تعریف کرده است: «انتقال عبارت است از وارد کردن یا صادر کردن کالا برخلاف قوانین و مقررات جاریه و یا اقدامی که قانوناً در حکم انتقال محسوب شده است». قاچاق خاک به معنای انتقال یا فروش غیرقانونی خاک به خارج از کشور بدون مجوز است. این جرم بر اساس ماده ۲۱ لایحه حفاظت از خاک جرم شناخته شده و مرتکب آن به مجازات تعزیری درجه ۵ (حدود ۲ تا ۵ سال حبس و جزای نقدی و محرومیت‌های اجتماعی) محکوم می‌شود. تشخیص اینکه خاک موردنظر ماده معدنی است یا خیر، بر عهده وزارت صنعت، معدن و تجارت است و خروج خاک معدنی با مجوز این وزارتخانه مجاز است. (Abdollahi, 2017) انتقال غیرمجاز خاک به معنای جابه‌جایی، فروش یا انتقال بدون مجوز خاک بدون رعایت قوانین حفاظتی خاک، حتی در داخل کشور یا برای مقاصد غیرمجاز نیز جرم محسوب می‌شود و مجازات‌هایی برای آن در قانون حفاظت از خاک پیش‌بینی شده است. این جرم شامل تخریب، آلودگی و کاهش حاصلخیزی خاک نیز می‌شود و هدف قانون جلوگیری از تخریب منابع خاک است. بنابراین انتقال غیرمجاز ممکن است صرفاً قاچاق به خارج از کشور نباشد بلکه شامل نقل و انتقال بدون مجوز خاک در روش‌های غیرقانونی داخلی نیز باشد. (Zare Mahdavi & Danesh

(Nari, 2016

محکوم می‌گردد. تشخیص ماده معدنی بر عهده وزارت صنعت، معدن و تجارت است و برای خروج خاک معدنی از کشور اخذ مجوز توسط وزارت مذکور الزامی است. (Khanalipour et al., 2016)

براساس تبصره ماده ۲۱، ماده معدنی (کانی) موضوع بند (الف) ماده (۱) قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳ نوامبر ۲۰۱۱ از حکم این ماده مستثنی می‌باشد. خروج مقادیر کم خاک به‌منظور امور پژوهشی به خارج از کشور بنا به درخواست دانشگاه یا واحد پژوهشی با مجوز وزارت بلامانع است. ماده ۲۱ لایحه حفاظت از خاک مصوب مجلس شورای اسلامی، اساساً هر نوع خرید و فروش خاک کشور به دلیل اینکه به نظر چون جزو اموال عمومی بوده و ثروت ملی محسوب و متعلق به نسل‌های حال و آتی به‌عنوان منابع تجدیدنپذیر تلقی می‌شوند، غیرقانونی است: انتقال و فروش خاک به خارج از کشور ممنوع است. مطابق ماده فوق مرتکب به یک یا دو مورد از مجازات تعزیری درجه (۵) محکوم می‌گردد.

حال در پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی جرائم زیست‌محیطی، علل تصویب قانون حفاظت از خاک و جرم‌انگاری‌ها و ضمانت‌اجراهای در نظر گرفته‌شده در قانون مذکور خواهیم پرداخت.

مهم‌ترین سؤال که بیانگر اهمیت موضوع نیز می‌باشد، این است که چرا علی‌رغم کارایی جرم‌انگاری تقنینی امنیت‌مدار و توتالیتری نسبت به رویکرد پیشگیری و تلطیف و رویکرد ترمیمی در بخش انتقال بدون مجوز خاک، این مهم مورد توجه مقام تقنینی واقع نشده است؟ اساساً بایسته‌ها و الزامات و ضرورت‌های تقنینی، قضایی و اجرایی ایران در مقابله با جرایم انتقال بدون مجوز خاک در حقوق داخلی کدام‌اند؟

## خرید و فروش خاک

خرید و فروش خاک در ایران اساساً ممنوع است چون خاک به عنوان ثروت ملی و جزو اموال عمومی کشور محسوب می شود. بر اساس ماده ۲۱ لایحه حفاظت از خاک، انتقال و فروش خاک به خارج از کشور جرم است و مرتکب به مجازات تعزیری درجه ۵ (حبس ۲ تا ۵ سال، جزای نقدی، محرومیت های اجتماعی) محکوم می شود. تشخیص اینکه خاک مورد نظر جزء مواد معدنی است یا خیر، بر عهده وزارت صنعت، معدن و تجارت است و خروج خاک معدنی از کشور تنها با مجوز این وزارتخانه مجاز است. همچنین، خروج مقدار کمی خاک برای امور پژوهشی با مجوز وزارت مربوطه بلامانع است. در هر حال، خرید و فروش خاک به دلیل اهمیت آن برای کشاورزی و محیط زیست، ممنوع و جرم تلقی می شود. خاک کشاورزی و زراعی به دلیل اینکه محصول میلیون ها سال فرایند طبیعی است و نقش مهمی در امنیت غذایی دارد، نسخ تجدیدنپذیر است و فروش آن باعث صدمات جبرانناپذیر در بخش کشاورزی و محیط زیست کشور می شود. بنابراین خرید و فروش غیرقانونی خاک، به خصوص خاک کشاورزی و زراعی، آسیب های زیست محیطی و اقتصادی به کشور وارد می کند و از نظر قانونی ممنوع است. (Abbasi, 2016)

## حمل خاک

حمل خاک به طور غیرمجاز یعنی برداشت، جابه جایی یا انتقال بدون مجوز خاک به صورت غیرقانونی و بدون رعایت ضوابط و مجوزهای لازم که توسط مراجع ذی ربط تعیین شده است. این عمل طبق قانون ممنوع است و تحت عناوین مختلفی چون تخلف زیست محیطی، تخریب منابع طبیعی یا نقض قوانین حفاظت از خاک و محیط زیست قرار می گیرد. برداشت و حمل خاک بدون رعایت دستورالعمل های قانونی و بدون مجوز ممنوع است و مجازات هایی مانند جریمه نقدی، توقیف وسایل نقلیه حامل خاک و حتی پیگرد قضایی دارد. وزارت جهاد کشاورزی و سازمان

حفاظت محیط زیست موظف اند ضوابط فنی و دستورالعمل های برداشت و جابه جایی خاک را تدوین و ابلاغ کنند و در صورت مشاهده تخلف، ضابطان دادگستری می توانند وارد عمل شوند. حمل غیرمجاز خاک همچنین تخلف از قوانین مربوط به حفاظت خاک محسوب می شود و می تواند به تخریب منابع خاکی، فرسایش و آسیب های زیست محیطی منجر شود. در صورتی که خاک به صورت قاچاق یا بدون مجوز حمل شود، وسایل نقلیه مرتبط توقیف شده و متخلفین علاوه بر جریمه های مالی ممکن است مجازات های قانونی سنگین تری را نیز متحمل شوند. پیامدهای حمل غیرمجاز خاک را می توان تخریب خاک و کاهش کیفیت و کارایی آن برای کشاورزی و دیگر مصارف طبیعی، همچنین آسیب به محیط زیست و منابع طبیعی منطقه و مجازات های قانونی از جمله جریمه، توقیف خودرو و ردگیری قضایی برای افراد و شرکت های متخلف دانست. (Kardavani, 2003)

بنابراین حمل خاک غیرمجاز عملی ممنوع و جرم محسوب می شود که متخلفین طبق قوانین حفاظت از خاک و محیط زیست مشمول پیگرد قانونی و مجازات های مالی و قضایی می گردند.

## نگهداری خاک

نگهداری خاک به طور غیرمجاز به معنای ذخیره سازی، انباشت یا دپوی خاک در مکان ها یا شرایطی است که برخلاف قوانین و مقررات حفاظت از خاک و محیط زیست صورت می گیرد. (Zare, 2016) این عمل نیز ممنوع بوده و می تواند باعث تخریب خاک، آلودگی محیط زیست و به هم خوردن تعادل طبیعی شود. قوانین مرتبط با نگهداری غیرمجاز خاک را می توان شامل موارد زیر دانست:

۱- بر اساس قانون حفاظت از خاک، رهاسازی و دپوی مواد آلاینده یا خاک به گونه ای که منجر به آلودگی یا تخریب خاک شود، ممنوع است و مرتکبان علاوه بر جبران خسارت

زیست محیطی، به جرمه نقدی تا چند برابر خسارت وارده محکوم می شوند.

۲- وزارت جهاد کشاورزی و سازمان های مرتبط موظفاند دستورالعمل های فنی مدیریت بقایای گیاهی و خاک را تدوین و ابلاغ کنند تا نگهداری و مدیریت خاک به صورت اصولی و مجاز انجام شود.

۳- چنانچه نگهداری خاک موجب تخریب یا آلودگی شود، مسئول آن موظف است پس از اخطار، اقدام به بازسازی و جبران خسارت نماید و در صورت تخلف، مجازات های قانونی شامل جرمه های سنگین و اقدامات قضایی برای متخلفین اعمال می شود.

۴- همچنین نگهداری خاک در اراضی کشاورزی یا باغات بدون مجوز و تغییر کاربری غیرمجاز این اراضی نیز جرم محسوب شده و شامل مجازات های نقدی و حتی حبس می شود.

(Soleimanabad, 2008)

پیامدهای نگهداری غیرمجاز خاک را می توان شامل آلودگی خاک و کاهش کیفیت آن برای کشاورزی و محیط زیست و ایجاد مشکلات زیست محیطی از جمله آلودگی آب و هوا و اعمال مجازات قانونی از قبیل جرمه های مالی، الزام به بازسازی و پیگیری قضایی متخلفین دانست. بنابراین نگهداری غیرمجاز خاک، مانند حمل غیرمجاز آن، عملی غیرقانونی و جرم است که قوانین کشور با هدف حفظ منابع طبیعی و محیط زیست، مجازات های مشخصی برای متخلفان تعریف نموده اند.

## ۲- اهمیت خاک و توالی فاسد انتقال بدون مجوز آن

منبع طبیعی برای رشد گیاهان، فرسایش خاک موجب از بین رفتن محیط می گردد. پس حتماً باید از بین رفتن خاک کنترل شود. همچنین باید گفت که قسمت قابل توجهی از تغذیه انسان از خاک به دست می آید به دلیل اینکه گیاهان از خاک تغذیه و حیوانات از گیاهان تغذیه می کنند، پس در واقع به نوعی از خاک استفاده می شود، البته به صورت غیرمستقیم. انسان برای زندگی به خاک

نیاز دارد. عوامل زیان آور به شکل های مختلفی در خاک چون عدم حاصلخیزی، فرسایش، شوری، بیابان زایی و آلودگی خاک نمود پیدا می کنند و در نهایت موجب وارد آمدن زیان های متعدد به زنجیره غذایی و انسان ها می شوند. (Firouzbakhsh et al., 2012) بنابراین، انتقال و فروش خاک به خارج از کشور به طور کلی ممنوع است مگر در موارد مذکور و با مجوز رسمی. خروج خاک به جز این موارد، جرم محسوب شده و مرتکب به مجازات های تعزیری درجه ۵ قانون مجازات اسلامی محکوم می شود. استثنائات و موارد مجاز خروج خاک از کشور بر اساس قانون حفاظت از خاک ایران عبارت اند از:

۱- خروج خاک معدنی (کانی) که تشخیص آن بر عهده وزارت صنعت، معدن و تجارت است و برای خروج آن باید مجوز رسمی از این وزارتخانه اخذ شود. این موضوع طبق تبصره ماده ۲۱ قانون حفاظت از خاک می باشد.

۲- خروج مقادیر کم خاک به منظور امور پژوهشی و تحقیقاتی، که با درخواست و مجوز رسمی از دانشگاه ها یا واحدهای پژوهشی و تأیید وزارت مربوطه (وزارت جهاد کشاورزی یا وزارت صمت) بلامانع است.

عواقب و آثار نامطلوب انتقال بدون مجوز خاک را می توان به شرح ذیل برشمرد:

### تأثیرات قاقاق خاک بر مواد مغذی و کشاورزی

قاقاق خاک، به ویژه خاک های حاصلخیز، باعث برداشت مواد مغذی کلیدی خاک می شود که نهایتاً بر کشاورزی، امنیت غذایی و محیط زیست کشور تأثیرات بسیار منفی و جدی دارد و مقابله با این پدیده نیازمند توجه ویژه مسئولان و جامعه است. لذا عواقب و آثار نامطلوب انتقال بدون مجوز خاک بر مواد مغذی و کشاورزی را می توان به شرح ذیل برشمرد:

الف: خاک های حاصلخیز شامل مواد آلی و مواد مغذی کلیدی مثل نیتروژن، فسفر، پتاسیم و ریزمغذی ها هستند که برای رشد گیاهان

حیاتی‌اند. با قاچاق خاک، این مواد مغذی از خاک کشور خارج شده و خاک به شدت فقیر می‌شود.

ب: کاهش مواد مغذی در خاک باعث کاهش عملکرد محصولات کشاورزی و کاهش کیفیت آن‌ها می‌شود که پیامد جدی برای معیشت کشاورزان و تأمین غذا دارد.

ج: برداشت غیرمجاز خاک حفظ تعادل زیست‌محیطی و ساختار اکوسیستم خاک را تهدید می‌کند که می‌تواند به فرسایش خاک و کاهش طولانی مدت حاصلخیزی منجر شود.

د: قاچاق خاک اغلب برای ساخت و ساز جزایر مصنوعی در کشورهای حوزه خلیج فارس صورت می‌گیرد که این منجر به آسیب جدی به منابع طبیعی خاک ایران شده است. (Najafi Abrandabadi, 2013)

#### تخریب منابع طبیعی

استخراج غیرقانونی خاک غالباً به همراه تخریب منابع طبیعی صورت می‌گیرد. معمولاً این نوع استخراج باعث بریدن درختان و نابودی گیاهان و جانوران محلی شده و همچنین باعث از بین رفتن زیستگاه‌های طبیعی و کاهش تنوع زیستی می‌شود. در بسیاری از پرونده‌های مربوط به انتقال بدون مجوز خاک نیز محل استقرار معدن سنگی که مجرمین در آن فعالیت غیرقانونی داشته، به عنوان نمونه در رشته کوه زاگرس با پوشش متراکم درختان بلوط واقع می‌باشد که در نتیجه فعالیت‌های انتقال بدون مجوز خاک، پوشش جنگلی و گیاهی و زیستگاه‌های جانوری مناطق حفاظت‌شده محیط‌زیست تخریب شده است.

#### تأثیرات بر تغییرات آب‌وهوا و بروز بیابان‌زایی

انتقال بدون مجوز خاک غیرقانونی ممکن است تأثیراتی بر تغییرات آب‌وهوا داشته باشد. فرایندهای انتقال بدون مجوز خاک ممکن است باعث افزایش گازهای گلخانه‌ای و آلودگی هوا شود که به تغییرات آب‌وهوایی منطقه و حتی جهانی منجر می‌شود. برای نمونه در رابطه با انتقال بدون مجوز خاک، شکایات پیرامون

۲-۲- پیامدهای بلندمدت محیط‌زیستی و اقتصادی

پیامدهای بلندمدت محیط‌زیستی و اقتصادی انتقال یا قاچاق خاک بسیار گسترده و خسارت‌زا هستند. در سطح محیط‌زیستی، قاچاق خاک باعث تخریب شدید منابع طبیعی، کاهش حاصلخیزی خاک، فرسایش خاک، بیابان‌زایی و تشدید معضلاتی مانند ریزگردها و بحران آب می‌شود که به ناپایداری زیست‌محیطی و کاهش تنوع زیستی منجر می‌گردد. از منظر اقتصادی، خاک یک منبع حیاتی و ارزش است که از بین رفتن آن باعث کاهش تولید کشاورزی، افت امنیت غذایی و کاهش درآمد و اشتغال در بخش کشاورزی می‌شود. صادرات یا قاچاق خاک به صورت غیرقانونی، به‌ویژه خاک‌های حاصلخیز و معدنی، موجب افزایش خام‌فروشی و از دست رفتن ارزش افزوده اقتصادی است که اگر به جای صادرات خاک، محصول یا کالای تولیدشده از خاک صادر شود، اقتصاد کشور بهره بیشتری خواهد برد. (Tahanpour, 2010)

علاوه بر این، قاجاق خاک باعث انتقال ناپایدار منابع خاک به سایر کشورها می‌شود که از دیدگاه توسعه پایدار و حفظ منابع طبیعی بسیار زیان‌بار است. همچنین قاجاق خاک عمدتاً به کشورهای حوزه خلیج فارس صورت می‌گیرد و این خاک‌ها در ساخت جزایر مصنوعی و پروژه‌های عمرانی به کار می‌رود که از نظر اقتصادی سودآور برای قاچاقچیان است ولی برای محیط‌زیست ایران خسارت‌بار است.

### تخریب مناطق زیستی حساس

انتقال بدون مجوز خاک غیرقانونی ممکن است در مناطق زیستی حساس انجام شود که معمولاً دارای تنوع زیستی بالا هستند. این عمل می‌تواند به نابودی اکوسیستم‌های حساسی مانند جنگل‌ها، مرتع‌ها و آبگودها منجر شود؛ که حکایت از تخریب چشمه‌های طبیعی در نتیجه فعالیت‌های غیرقانونی انتقال بدون مجوز خاک داشت، که به‌عنوان منبع اصلی آبخش‌خور حیوانات و جانوران منطقه حفاظت‌شده آن محل تلقی می‌گردد.

### از دست دادن سرمایه ملی

پیامدهای بلندمدت اقتصادی تخریب خاک و انتقال آن بسیار جدی و گسترده است و می‌تواند پیامدهای منفی چشمگیری برای کشاورزی، اقتصاد و امنیت غذایی کشور به دنبال داشته باشد. خاک سرمایه‌ای ملی و ارزشمند است که به‌صورت غیرمجاز و با قیمت ناچیز به فروش می‌رسد و این موجب کاهش ثروت طبیعی کشور می‌شود. خاک یک منبع تجدیدنپذیر یا دیرتجدیدپذیر است که تشکیل یک سانتی‌متر از آن سال‌ها زمان می‌برد و برداشت یا قاجاق بی‌رویه آن به معنای از دست دادن سرمایه ملی است.

(Keshavarz, 2015)

### تخریب و آلودگی آب و خاک

انتقال بدون مجوز خاک غیرقانونی معمولاً باعث آلودگی آب و خاک می‌شود. به این نحو که فرایندهای انتقال بدون مجوز خاک ممکن است باعث ورود مواد شیمیایی آلوده به آب و خاک شود

که می‌تواند به کشته شدن جانداران آبرزی و گیاهان و نیز آلودگی منابع آبی و خاکی بینجامد. (Mashhadi & Mohtashami, 2015) انتقال بدون مجوز خاک غیرقانونی می‌تواند به تخریب منابع آبی منطقه منجر شود. برای انتقال بدون مجوز خاک، معمولاً نیاز به استفاده از آب برای شست‌وشوی مواد معدنی و خاکی است. این مصرف آب می‌تواند منابع آبی محلی را به خطر بیندازد و باعث کاهش تأمین آب برای جامعه محلی شود.

در مجموع، پیامدهای بلندمدت محیط‌زیستی و اقتصادی انتقال خاک عبارت‌اند از:

الف: ادامه قاجاق خاک می‌تواند به یک فاجعه زیست‌محیطی تبدیل شود؛ چراکه خاکی که میلیون‌ها سال برای تولید و حاصلخیزی آن زمان صرف شده، به‌سرعت از بین می‌رود.

ب: کاهش مواد مغذی خاک و از بین رفتن خاک حاصلخیز می‌تواند رشد گیاهان و تولید غذا را محدود کند که به تهدید امنیت غذایی کشور منجر می‌شود.

ج: قاجاق خاک موجب کاهش منابع طبیعی ملی و کاهش بهره‌وری اقتصادی در حوزه کشاورزی می‌شود و به دلیل محدود بودن خاک حاصلخیز، جایگزینی آن بسیار دشوار است.

د: تخریب و کاهش حاصلخیزی خاک و فرسایش.

ه: بروز بیابان‌زایی و بحران آب.

ز: افت امنیت غذایی و کاهش تولید کشاورزی.

ح: کاهش ارزش افزوده اقتصادی و افزایش خام‌فروشی منابع طبیعی.

ط: تشدید ناپایداری زیست‌محیطی و کاهش تنوع زیستی.

ی: سودآوری قاچاقچیان خاک با ضرر برای کشورها. بند دوم:

ویژگی و نوع خاک‌های موضوع جرم

جرایم مرتبط با خاک شامل تخریب، آلودگی، انتقال غیرمجاز و قاجاق می‌باشند که علاوه بر مجازات‌های تعزیری، جبران خسارت و بازسازی خاک نیز به دستور دادگاه الزامی است. خاک به حکم

## ساختار خاک

چگونگی تجمع ذرات خاک به صورت گلوله‌ای، ورقه‌ای یا منشوری که روی تراکم و تهویه اثر دارد. خاک‌های متخلخل با نفوذپذیری بیشتر معمولاً بیشتر در معرض انتقال توسط مجرمین هستند. مجرمین انتقال و قاچاق خاک معمولاً خاک‌های زراعی، مرتعی و نباتی حاصلخیز را قاچاق می‌کنند. این نوع خاک‌ها ارزش بالایی برای کشاورزی و ساخت‌وساز دارند و به‌ویژه از استان‌های جنوبی ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس که خاک حاصلخیز دارند قاچاق می‌شوند. قاچاق خاک منجر به تخریب خاک منطقه و کاهش کیفیت زمین‌های کشاورزی می‌شود و اغلب خاک‌های حاصلخیز به کشورهای حاشیه خلیج فارس مانند قطر و امارات فرستاده می‌شوند، جایی که برای ساخت جزایر مصنوعی و خشک کردن دریا استفاده می‌گردد.

خاک معدنی نیز اگرچه به نوعی خاک محسوب می‌شود، خروج آن از کشور تحت قوانین مختلفی است و فقط با مجوز وزارت صنعت مجاز است. اما عمده موارد قاچاق بیشتر شامل خاک‌های کشاورزی و مرتعی است که ممنوع بوده و برای آن مجازات‌های سنگینی در نظر گرفته شده است.

## تراکم خاک

میزان فشردگی خاک که نفوذپذیری و ظرفیت نگهداری آب را تعیین می‌کند؛ خاک‌های متراکم معمولاً آب را کمتر جذب می‌کنند. لذا بافت‌های سبک‌تر و ریزتر مانند سیلت و رس راحت‌تر منتقل می‌شوند و در دسته انتقالی این خاک مجرمین بیشتری وجود دارد.

## ظرفیت نگهداری آب و دما

توانایی خاک در ذخیره و نگهداری آب، که به نوع بافت و ساختار خاک بستگی دارد و بر میزان آب در دسترس برای گیاهان تأثیر می‌گذارد. با استفاده از آزمایش‌های مویینگی و فشار هیدرواستاتیک، میزان آب قابل نگهداری توسط خاک تعیین می‌شود. این اطلاعات برای مدیریت آبیاری و پیش‌بینی نیاز آب

مال غیرمنقول و ملک رسمی شناخته شده که حفاظت از آن اهمیت بالایی دارد و اقدامات قانونی قوی برای مقابله با جرایم خاک پیش‌بینی شده است.

## الف: ویژگی‌های خاک‌های موضوع جرم انتقال

### ۱- ویژگی‌های فیزیکی خاک

خصوصیات خاک شامل خصوصیات فیزیکی و شیمیایی می‌باشد. خصوصیات فیزیکی خاک شامل: ساختار دانه‌بندی، بافت، تراکم و ظرفیت نگهداری آب است. این ویژگی‌ها تأثیر زیادی بر تهویه، نفوذپذیری و قابلیت رشد گیاهان دارند. خصوصیات شیمیایی خاک شامل pH، میزان مواد مغذی مانند نیتروژن، فسفر و پتاسیم، و ترکیب مواد آلی است. این خصوصیات بر توانایی خاک در تأمین مواد غذایی و پایداری ساختاری تأثیر می‌گذارد و به بهینه‌سازی تغذیه گیاهان و کیفیت خاک کمک می‌کند. این عوامل ترکیبی از ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی خاک و نحوه و نوع انتقال آن‌ها توسط عوامل محیطی هستند که در نهایت بر جرم انتقال خاک مؤثرند. (Ramezani Ghavamabadi & Shafighfard, 2016)

## بافت خاک

ترکیب درصدی شن، سیلت و رس که بر نفوذپذیری، توان نگهداری آب و تهویه خاک تأثیر می‌گذارد. خاک‌های با بافت لومی معمولاً پایداری بیشتری دارند. بر اساس تحقیقات، نرخ فرسایش خاک‌های سطحی زمین توسط انسان‌ها بین ده تا پانزده برابر سریع‌تر از فرسایش طبیعی است. این موضوع باعث جدا شدن و انتقال حجم بالایی از خاک حاصلخیز می‌شود که تأثیرات جدی بر کشاورزی، منابع آبی و اکوسیستم‌ها دارد. فعالیت‌های انسانی عامل اصلی تشدید انتقال خاک و تخریب زیست‌محیطی آن است که اصولاً جرم انتقال خاک از میان بافت خاک مرغوب و سبک انجام می‌گیرد که مجرمین مؤلفه‌های نفوذپذیری، توان نگهداری آب و تهویه خاک را در آن در نظر می‌گیرند.

گیاهان کاربرد دارد و نقش بسزایی در تعیین خاک برای انتقال آن و خرید و فروش دارد.

### دما و حرارت خاک

تأثیر دما بر فعالیت‌های میکروبی و رشد گیاهان. خاک‌های گرم‌تر ممکن است فعالیت میکروبی را افزایش دهند و رشد گیاهان را تسریع کنند. خاک رس نه به‌عنوان صادرات خاک بلکه تحت عناوین دیگر نیز صادر شده و در این موارد هیچ‌گونه نظارتی وجود ندارد. به‌عنوان مثال خاکی که قاقاق می‌شود، بیشتر در قالب نشای گل یا صادرات گل به همراه کوزه و خاک است. همچنین این کالا به‌صورت سیمان رس که آن را پخته و کلینگر کرده، ارسال می‌شود. در حال حاضر بخشنامه‌هایی صادر شده که صادرات گل و گیاه باید در بستر پرلیت و کوکوپیت (خاک و کمپوست باغبانی) باشد. این موارد توسط وزارت جهاد کشاورزی و سازمان‌های استانی آن نظارت می‌شود. در این راستا محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی برای صادرات خاک تحت عناوین دیگر نیز وضع شده است. به‌عنوان مثال اینکه خاک رس را تحت عنوان بتونیت معدنی صادر کنیم، نوعی خام‌فروشی است و تا حدود زیادی صادرات آن کنترل می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت قوانین و مقررات مهم و تأثیرگذاری برای فروش خاک کشور (چه صنعتی و چه کشاورزی) تدوین شده که از هرگونه تخلف و دور زدن‌های قانونی جلوگیری می‌کند.

(Mousavi, 2012)

### ۲- ویژگی‌های شیمیایی خاک

#### میزان اسیدی یا قلیایی بودن خاک

میزان اسیدی یا قلیایی بودن خاک که قابلیت جذب مواد مغذی توسط گیاه را تعیین می‌کند. خاک‌های با pH خنثی (بین ۶.۵ تا ۷.۵) بیشترین قابلیت جذب مواد مغذی را دارند و حاصلخیزی بالایی دارند، بنابراین این نوع خاک‌ها به دلیل داشتن ارزش اقتصادی بیشتر هدف قاقاقچیان هستند. خاک‌های اسیدی (pH کمتر از ۶.۵) و به‌ویژه اسیدی شدید (pH کمتر از ۵.۵) ممکن

است حاوی عناصری مثل آهن و آلومینیوم باشند که بیش از حد حلال شده‌اند و برای گیاه می‌توانند سمی باشند، اما معمولاً حاصلخیزی این نوع خاک پایین‌تر است. خاک‌های قلیایی (pH بالاتر از ۷.۵) معمولاً با کمبود عناصری نظیر آهن، منگنز، روی و مس همراه‌اند که دسترسی به این عناصر برای گیاه سخت‌تر است، ولی در برخی موارد خاک‌های قلیایی به دلیل ترکیبات خاص (مثلاً آهکی بودن خاک) استفاده‌های خاصی دارند و ارزش اقتصادی متفاوتی می‌یابند. از این رو، مجرمین انتقال خاک معمولاً خاک‌هایی که حاصلخیزی بهتر و ارزش اقتصادی بیشتری دارند (خاک با pH نزدیک به خنثی) را هدف قرار می‌دهند، چراکه این خاک‌ها برای کشاورزی و باغبانی ارزشمندترند.

#### میزان مواد مغذی

میزان عناصر نیتروژن، فسفر، پتاسیم و مواد آلی که باعث تغذیه و رشد گیاه می‌شود. تأثیر مواد مغذی خاک از سوی مجرمین قاقاق خاک بسیار مخرب و تهدیدکننده برای امنیت غذایی و کشاورزی کشور است. قاقاق خاک منجر به برداشت غیرقانونی خاک‌های حاصلخیز می‌شود که بسیاری از این خاک‌ها دارای مواد مغذی ضروری برای کشاورزی و تولید محصولات غذایی هستند. خروج این خاک‌ها از کشور باعث کاهش حاصلخیزی زمین‌های کشاورزی، افت تولید محصولات، تخریب ساختار خاک و در نهایت کاهش امنیت غذایی جامعه می‌شود.

#### میزان ترکیب مواد آلی و مواد معدنی خاص

ترکیب مواد آلی و مواد معدنی خاص که مقاومت خاک در برابر فرسایش را تحت تأثیر قرار می‌دهند. میزان ترکیب مواد آلی در خاک معمولاً بین ۰.۵٪ تا ۵٪ بر اساس وزن در خاک‌های معدنی متغیر است و در خاک‌های آلی این مقدار می‌تواند تا ۱۰۰٪ نیز برسد. مواد آلی خاک تقریباً از ۵۰ درصد کربن، ۵ درصد نیتروژن، ۰.۵ درصد فسفر، ۰.۵ درصد گوگرد، ۳۹ درصد اکسیژن و ۵ درصد هیدروژن تشکیل شده است. این مواد نقش مهمی در بهبود

قاچاق هستند که مقصد اصلی آن‌ها کشورهای حاشیه خلیج فارس است. (Ramezani Ghavamabadi, 1998)

طبق آمارها و نظرهای کارشناسی، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از جمله امارات و قطر، مقصد نهایی خاک ایران هستند. به گزارش پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری، حمیدرضا پیروان، رئیس گروه تحقیقات و مهندسی حفاظت از آب و خاک از پژوهشکده حفاظت آب و آبخیزداری در این باره اعلام کرد که طبق آمارها و نظرهای کارشناسی، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از جمله امارات و قطر، مقصد نهایی خاک‌های ایران هستند. هم‌اکنون کشورهایی مانند امارات و قطر خاک ندارند، خاک‌های سواحل این کشورها ماسه‌ای و آهکی است که اصلاً به درد پوشش گیاهی نمی‌خورد. از سوی دیگر، امارات برای ساخت جزایر مصنوعی و قطر نیز برای خشک کردن دریا و بازیافت اراضی ساحلی‌اش نیاز به خاک ایران دارد. قاچاق خاک تنها مربوط به کشورهای حاشیه خلیج فارس نیست، سال‌هاست به بهانه صادرات گل و گیاه خاک‌های حاصلخیز کشاورزی ایران قاچاق شده و از کشور خارج می‌شود. عده‌ای سودجو به بهانه فروش گل و گلدان، اقدام به قاچاق خاک‌های حاصلخیز ایران کرده بودند. جدا از مسئله قاچاق خاک، اکنون با معضلی به نام خام‌فروشی خاک‌های صنعتی مواجهیم. این خاک‌ها در معادن استخراج می‌شوند و اغلب به صورت مستقیم یا به عنوان باطله معدنی به فروش می‌رسند. این خاک‌ها برای تولید آهن و مس کاربرد زیادی دارند و عناصر نادر و کمیاب زیادی نیز در این خاک‌ها وجود دارد؛ از این رو ضروری است سطح تکنولوژی‌مان را ارتقا دهیم تا دیگر به سمت خام‌فروشی این خاک‌های ارزشمند نرویم. خام‌فروشی این نوع خاک‌ها نیز ممنوع است، اما قاچاق خاک مسئله‌ای نیست که ما بتوانیم از آن گریزی داشته باشیم؛ زیرا مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز در کنار این معضلات وجود دارد. فروش خاک ایران دلیل دیگری هم دارد که به داخل کشور و تولیدات آجر

خصوصیات فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی خاک دارند و ظرفیت تبادل کاتیونی خاک عمدتاً به دلیل مواد آلی بالاست. در مقابل، مواد معدنی خاک شامل عناصر مختلفی هستند که بسته به نوع خاک و محیط می‌توانند متفاوت باشند، که اصلی‌ترین آن‌ها شامل سیلیکات‌ها، کربنات‌ها، اکسیدهای فلزات و اجزای معدنی ریز و درشت است که نقش مهمی در ساختار خاک و تأمین مواد مغذی دارند. این موضوع مورد توجه مجرمین انتقال خاک در قاچاق خاک می‌باشد.

### نوع خاک‌های موضوع جرم انتقال

انواع خاک‌های رایج برای قاچاق به طور عمده شامل خاک‌های زراعی، خاک‌های پیتی و خاک‌های رنگین و سرخ مانند خاک‌های جزیره هرمز هستند. خاک زراعی به دلیل حاصلخیزی و ارزش کشاورزی بالا بیشترین میزان قاچاق را دارد و به کشورهای حاشیه خلیج فارس، به ویژه برای استفاده در ساخت‌وساز و خشک کردن سواحل، قاچاق می‌شود.

همچنین خاک‌های معدنی مثل خاک فلوسپار، کائولن و خاک‌های صنعتی نیز به شکل قانونی یا غیرقانونی صادر و یا قاچاق می‌شوند، اما خاک زراعی و خاک‌های رنگین (مانند خاک‌های سرخ و رنگی جزیره هرمز که کاربردهای صنعتی و حتی خوراکی دارند) در قاچاق خاک از ایران بیشتر مطرح هستند. قاچاق خاک زراعی باعث آسیب جدی به کشاورزی و محیط‌زیست می‌شود و مقابله با آن در دستور کار نهادهای مسئول قرار دارد. خاک‌های پیتی نیز از نوع خاک‌هایی هستند که برای کشاورزی و کشت گیاهان بسیار ارزشمندند و گزارش شده که قاچاق این نوع خاک نیز وجود دارد. (Kardavani, 2003) قیمت صادرات خاک هر تن تا ۱۰ دلار است و ممکن است صادرکننده در ادعای گمرکی بگوید خاک معدنی صادر می‌کند، ولی خاک زراعی باشد. لذا خاک زراعی، خاک پیتی و خاک‌های رنگین و سرخ جزو خاک‌های رایج برای

مربوط می‌شود. به دلیل حفاظت از محیط‌زیست، کارخانه‌های آجر برای استفاده از خاک محدود شده و مجبور به خرید خاک از دلالاتی می‌شوند که به‌طور شبانه خاک‌ها را برداشت کرده و با نرخ گزاف به این فعالان می‌فروشند؛ بنابراین یکی دیگر از عوامل برداشت خاک به این مسئله داخلی بازمی‌گردد.

**۴- مبانی جرم‌انگاری حقوق کیفری در انتقال بدون مجوز خاک**  
جرم‌انگاری از موضوعات مورد مطالعه در حوزه حقوق کیفری ماهوی است. جرم‌انگاری فرایندی است که به موجب آن قانون‌گذار فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند و تعریف آن الصاق برچسب‌های مجرمانه بر رفتارهای شهروندان می‌باشد. این مهم در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، با توجه به اصل ۷۱ قانون اساسی باید «در حدود مقرر در قانون اساسی» صورت گیرد. (Various, 2009)

#### جرم انتقال خاک و انعکاس آن در قوانین ایران

در نظام کیفری ایران، خاک می‌تواند بزه‌دیده دو جرم آلودگی و تخریب باشد؛ هرچند قانون‌گذار موارد را از باب تمثيل آورده است. در قانون مجازات اسلامی ایران، قاچاق و انتقال خاک به خارج از کشور جرم محسوب شده و برای آن مجازات‌هایی تعیین شده است. بر اساس ماده ۲۱ لایحه حفاظت از خاک، انتقال خاک به خارج از کشور ممنوع بوده و مرتکب به یک یا دو مورد از مجازات‌های تعزیری درجه ۵ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. مجازات‌های تعزیری درجه ۵ شامل حبس بیش از دو تا پنج سال، جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی و ممنوعیت فعالیت‌های شغلی و اجتماعی است. همچنین برای خروج خاک معدنی از کشور، اخذ مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت الزامی است. در واقع قانون‌گذار علی‌رغم اهمیت موضوع، به‌صراحت واژه انتقال را در قانون کیفری بیان نکرده است. آلودگی خاک مطابق ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات در قالب تهدید علیه بهداشت عمومی جرم‌انگاری شده است. هرچند ماده ۶۸۸ سخنی از آلودگی

خاک به میان نیاورده است، اما چون به‌صورت تمثیلی بیان شده عنصر قانونی بزه‌دیدگی خاک را تشکیل می‌دهد. مطابق این ماده: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پساب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد». نکته مهم در این خصوص آن است که بزه‌دیدگی خاک در برابر آلودگی به جهت ارزش ذاتی خاک نبوده، بلکه به جهت آنکه ممکن است ضرری برای دیگران داشته باشد صورت گرفته. به همین جهت است که تبصره دو ماده ۶۸۸ بیان می‌دارد: «منظور از آلودگی محیط‌زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به... خاک... به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به‌طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد». بدین‌سان، در صورتی که خاک مورد هجوم آلودگی‌ها قرار گیرد ولی این آلودگی به ضرر دیگران نباشد، بزه‌دیده یک رفتار مجرمانه نخواهد بود. همچنین چنانچه آلودگی به دیگر بخش‌های محیط‌زیست وارد آید، خاک به‌عنوان ارزشی در نظر گرفته نشده است که بتوان بزه‌دیدگی‌اش را از گذر آن رهگیری کرد؛ به همین جهت چنانچه برای مثال آلودگی هوا رخ دهد، هرچند این آلودگی به ضرر خاک باشد، این عنصر زیست‌محیطی به‌عنوان بزه‌دیده معرفی نخواهد شد. ذکر نمونه‌ای از آراء قضایی در این خصوص می‌تواند به روشن‌تر شدن گستره بزه‌دیدگی خاک کمک نماید. از این رو در یکی از آراء قضایی آمده است:

## جرم‌انگاری قانون حفاظت از محیط خاک

بنابر نظر برخی از حقوق‌دانان، حقوق جزا و یا به‌طور کلی ورود امور کیفری به‌منظور حمایت از محیط‌زیست به دلیل اینکه عمده‌ترین وسیله جهت حمایت مؤثر از ارزش‌های اساسی اجتماع می‌باشد. جامعه برای ساختن محیط سالم برای فراهم کردن زندگی‌ای تمیز و سالم ارزش فراوانی قائل است؛ از این رو در برخی موارد از حقوق جزا برای اشخاصی که اقداماتی جهت تخریب و انهدام محیط‌زیست انجام می‌دهند استفاده می‌نماید. (Heydarzadeh & Mozaffarizadeh, 2013) بهره‌مندی از حقوق کیفری از جمله ابزارهای تأثیرگذار در خصوص حمایت از محیط می‌باشد، در حالی که این شیوه در دیگر کشورها نیز به کار گرفته شده است. (Pradel et al., 2013) جرائم تعزیری مطابق ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی عبارت است از: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد». بنابراین جرائم مربوط به قانون حفاظت از خاک در حیطه جرائم تعزیری قرار گرفته‌اند. ماده ۲۱ در خصوص قاچاق خاک بیان می‌کند: «انتقال خاک به خارج از کشور ممنوع است. مرتکب به یک یا دو مورد از مجازات‌های تعزیری درجه ۵ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. تشخیص ماده معدنی و خاکی بر عهده وزارت صنعت، معدن و تجارت است و برای خروج خاک معدنی و خاکی از کشور اخذ مجوز توسط وزارت مذکور با رعایت ماده ۴۳ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران الزامی است. تبصره. ماده معدنی و خاکی کانی موضوع بند الف ماده ۱ قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳ نوامبر ۲۰۱۱ از حکم این ماده مستثنی می‌باشد. خروج مقادیر کم خاک به‌منظور امور پژوهشی به خارج از کشور بنا به درخواست دانشگاه یا واحد پژوهشی با مجوز وزارت بلامانع است.

مهم‌ترین و اصلی‌ترین مفهوم در این زمینه کلمه «قاچاق» است. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۲۰ آوریل ۱۹۵۱ در خصوص تعریف قاچاق این‌چنین اذعان دارد که: «هر فعل یا ترک فعلی که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و براساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود.» در همین قانون، مقنن کالاهای قاچاق را به پنج دسته تقسیم نموده است که مشمول:

کالاهای ممنوع‌الصدور

کالاهای ممنوع‌الورود

کالاهای رایانه‌ای

کالاهای مجاز مشروط

کالاهای مجاز می‌باشد.

بنابراین با توجه به نص ماده ۱۰ قانون حفاظت از خاک را می‌توان جزء دسته کالاهای ممنوع‌الصدور به شمار آورد. ماده ۲۲ حاکی از آن است که: «قوه قضائیه به‌منظور رسیدگی به جرایم موضوع این قانون نسبت به ایجاد شعب تخصصی اقدام و به جرائم مربوط خارج از نوبت رسیدگی می‌کند».

مطابق این بند از قانون، جهت اهمیت موضوعی حفاظت از خاک، برای رسیدگی به جرایم مطروحه در این قانون قوه قضائیه اقدام به ایجاد شعب تخصصی‌ای می‌نماید که به‌صورت دقیق و تخصصی به جرایم مذکور رسیدگی شود.

قانون‌گذار در ماده ۲۳ بیان می‌کند: «مأمورانی که از طرف سازمان و وزارت مأمور کشف و تعقیب جرائم موضوع این قانون می‌باشند، در حدود وظایف محوله، «ضابط دادگستری» محسوب می‌شوند.

تبصره: حکم این ماده نافذ وظایف و اختیارات سایر ضابطان دادگستری نمی‌باشد.» مطابق ماده ۲۸ آیین دادرسی کیفری ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که در کشف جرم، حفظ آثار و علائم

و جمع‌آوری وقوع جرم، تحقیقات مقدماتی، جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، اجرای تصمیمات قضایی و ابلاغ اوراق تحت نظارت و تعالیم دادستان مسئولیت‌های مذکور را بر عهده دارند. به نوعی ضابطان دادگستری «بازوان اجرایی مقامات قضایی» به شمار می‌آیند.

از این رو برای کشف جرایم مربوط به این قانون از جانب سازمان محیط‌زیست و وزارت جهاد کشاورزی مأمورانی برای کشف جرم و تعقیب جرایم مربوطه به‌عنوان ضابط دادگستری انجام وظیفه می‌نمایند.

در اصل ۵۰ قانون اساسی آمده است: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود؛ از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

طبق ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پساب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشند و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.

تبصره ۱: تشخیص اینکه اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط‌زیست شناخته می‌شود و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی، همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.

تبصره ۲: منظور از آلودگی محیط‌زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به‌طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.

براساس مواد (۱۰) تا (۱۴) قانون شکار و صید، متخلفین از قانون مذکور و کسانی که با ارتکاب اعمال مجرمانه موجبات نابودی حیات وحش و همچنین تخریب و تجاوز به این اکوسیستم‌های باارزش و مناطق تحت مدیریت این سازمان حفاظت محیط‌زیست را فراهم می‌نمایند، به مجازات‌های مطروح در مواد مذکور و اکثراً مجازات‌های نقدی در دادگاه محکوم می‌شوند.

#### تحلیل ماده ۶۸۵ و ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی

سیاست جنایی تقنینی در جرائم سبز، بر به‌کارگیری تدابیر و شیوه‌های خاص پیشگیری و سرکوبگری در قبال این‌گونه جرائم تأکید دارد؛ در چارچوب یک سیاست جنایی تقنینی کارآمد است که پیشگیری از جرائم سبز و بزه‌دیدگی عناصر سبز، مورد توجه ویژه قانون‌گذار قرار می‌گیرد و با مقرر کردن حمایت کیفری ویژه، سیاست پیشگیری از بزه‌دیدگی عناصر سبز دنبال می‌شود. امروزه حمایت کیفری در قالب جرم‌انگاری و در پوشش قانون شناخته می‌شود و از این جهت باید در چارچوب سیاست جنایی تقنینی مورد توجه قرار گیرد، اما خود این مفهوم نیز با توجه به روشی که مقنن برای استفاده از کیفر جهت حمایت در نظر می‌گیرد دارای انواع متفاوتی است؛ یکی از این گونه‌ها، حمایت کیفری افتراقی است که مقنن در راستای اقدامات حمایتی در بحث حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، دست به جرم‌انگاری ویژه می‌زند؛ یعنی به جرم‌انگاری برخی رفتارهای خاص اقدام می‌کند که در همین راستا جرم‌انگاری برخی افعال یا ترک افعال با توجه به زمینه‌های مختلف و تحت تأثیر عرف جامعه، معاهدات بین‌المللی و متون فقهی و سایر مؤلفه‌ها انجام می‌گیرد.

در شهرستان‌های مختلف تشکیل شده است و هم‌اکنون در تهران تحت عنوان «دادسرای انفال و منابع طبیعی» مشغول به کار است. این دادسرا قبلاً تحت عنوان «دادسرای ویژه شهرداری و زمین‌خواری» بوده است که از سال ۲۰۰۴ فعالیت می‌کرده است. البته لازم به ذکر است که لزوم برخورد و رسیدگی‌های افتراقی، از سالیان دورتری مورد توجه قوه قضائیه بوده است؛ به گونه‌ای که رئیس قوه قضائیه وقت، با ابلاغ بخشنامه شماره ۵۸۷۴/۷۹/۱ مورخ ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۰ به دادگستری‌های سراسر کشور، تشکیل شعبات تخصصی به منظور رسیدگی به شکایات ادارات منابع طبیعی، محیط‌زیست و بهداشت درمان را متذکر شده بودند. از این رو مبارزه با جرائم زیست‌محیطی و تروریسم زیست‌محیطی محقق نمی‌شود مگر با هماهنگی کردن و نزدیک نمودن سیاست کیفری کشورهای مختلف به همدیگر.

#### اسناد بالادستی در جرایم محیط‌زیست و انتقال خاک

طبق قانون برنامه چهارم، فروش خاک کشاورزی ممنوع است و بر اساس قوانین موجود، صادرات خاک صنعتی نیز تنها با اخذ مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر طبق قانون، صادرات هرگونه خاک مرتعی و جنگلی ممنوع و هرگونه دخل و تصرف در منابع طبیعی نیز غیرقانونی بوده و جرم محسوب می‌شود.

با توجه به گزارش‌هایی که در این زمینه منتشر شده، سال‌هاست که این تخلف در حال انجام است اما به نظر می‌رسد برخورد جدی با متخلفان صورت نمی‌گیرد. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که خاک یکی از مهم‌ترین منابع طبیعی هر کشور است و به گفته کارشناسان حوزه منابع طبیعی، امروزه فرسایش خاک به‌عنوان خطری برای رفاه انسان و حتی برای حیات او به شمار می‌رود. در مناطقی که فرسایش کنترل نمی‌شود، خاک به تدریج فرسایش یافته، حاصلخیزی خود را از دست می‌دهد. اما متولی برخورد با قاچاقچیان خاک چه نهادی است؟

در مقابل، جرم انتقال و تخریب خاک و تخریب عرصه‌های ملی و منابع طبیعی در مواد دیگری از قانون مجازات اسلامی و قوانین مرتبط با منابع طبیعی و محیط‌زیست به صورت جامع‌تر آمده است. به‌طور مثال، ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۹۹۶ (که در یکی از آرای وحدت رویه ذکر شده) در خصوص تخریب عرصه‌های ملی، قطع غیرمجاز درختان و تخریب منابع طبیعی جرم‌انگاری شده و مجازات‌هایی از جمله حبس برای آن تعیین شده است.

بنابراین ارتباط ماده ۶۸۵ قانون مجازات اسلامی با جرم انتقال و تخریب خاک این است که ماده ۶۸۵ به‌عنوان یک مورد خاص از تخریب اموال طبیعی (قطع و از بین بردن اصله نخل خرما) مطرح است و تخریب خاک و انتقال آن به‌طور کلی در مواد دیگری با توجه به گستردگی و اهمیت موضوع محیط‌زیست و منابع طبیعی پیش‌بینی شده است. ماده ۶۸۵ محدود به اصله نخل خرما بوده و جرم تخریب خاک شامل موارد وسیع‌تری می‌شود که قاعدتاً در مواد مربوط به تخریب جنگل‌ها، مراتع، عرصه‌های ملی و خاک پیش‌بینی شده‌اند.

#### تروریسم و افساد فی الارض

یکی از مصادیق نوین تروریسم نیز، تروریسم زیست‌محیطی است که در نظام حقوقی فرانسه مورد پیش‌بینی واقع شده است. در نظام حقوقی ایران نیز همان‌گونه که بیان کردیم مصادیقی از این قسم نوین از تروریسم در قانون مجازات اسلامی ذیل جرم افساد فی الارض مطرح شده است؛ در نتیجه، نوعی همگرایی در قالب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۲۰۱۵ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۰۱۳ در خصوص مبارزه با تروریسم و تأمین منابع مالی آن مشاهده می‌شود. در خصوص جرائم زیست‌محیطی و رسیدگی‌های افتراقی به این دسته از جرائم، در حال حاضر، شاهد جهانی شدن برگونه همسویی دیده می‌شود. در حال حاضر، دادسرای تخصصی رسیدگی به جرائم زیست‌محیطی

در قانون برنامه اول توسعه نیز در راستای جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست و جبران خسارت وارده، راهکاری معین در تبصره ۳۱ این قانون لحاظ شده است؛ به گونه‌ای که یک در هزار درآمد حاصل از فروش تولیدات کارخانجات و کارگاه‌های کشور به این امر اختصاص یافته و با توجه به اهمیت موضوع با پایان مدت اعتبار قانون توسعه موضوع در بند د ماده ۵۴ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین تکرار شده است.

در قانون برنامه دوم توسعه توجه بیشتری به حوزه محیط‌زیست شده و هدف کلی آن تأمین رشد و توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به منظور نیل به رشد و توسعه متعادل مناطق مختلف و تلاش در راستای بهبود کیفیت محیط‌زیست و احیاء و بازسازی بخش‌های آسیب‌دیده آن بوده است که علاوه بر اهداف کیفی، اهداف کمی نیز مورد توجه قرار گرفته است. قانون برنامه سوم توسعه در بحث ملاحظات زیست‌محیطی، از جامعیت بیشتری برخوردار بوده و بر ادغام و ملاحظات زیست‌محیطی در فرایندهای برنامه‌ریزی بیش از پیش تأکید شده است. در این برنامه، سیاست‌هایی که در برنامه‌های گذشته بیشتر بر فعالیت‌های انفعالی و واکنشی مورد تمرکز بود، در راستای به کارگیری سیاست‌های فعال و پیشگیرانه معطوف شد. قانون برنامه چهارم توسعه ۲۰۰۵-۲۰۱۰ از نظر جامعیت و تأکید بر اصول و مبانی توسعه پایدار، تکامل یافته‌تر از برنامه‌های قبل بوده که بازتاب آن را می‌توان به خوبی در اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه و مواد ۵۸ الی ۷۱ در فصل مجزایی به نام حفظ محیط‌زیست مشاهده کرد. در برنامه چهارم توسعه که در آن شانزده ماده قانونی در بخش محیط‌زیست و آمایش سرزمینی بیان شده، به دلایل مختلفی - از جمله غفلت از بندهای محیط‌زیستی - نتوانسته سرعت تخریب محیط‌زیست کشور و معضلات زیست‌محیطی را کنترل کند؛ در این برنامه، برخلاف برنامه‌های گذشته، به مقوله آموزش و مدیریت زیست‌بوم و هزینه‌های

محیط‌زیستی توجه شده بود که متأسفانه به لحاظ فقدان مدیریت مناسب و کارآمد، در همین موارد نیز با بیشترین مشکلات مواجه شد. در برنامه پنجم توسعه ۲۰۱۱-۲۰۱۶ به مسائل جدید، مثل مهار گردوغبار و شاخص‌های پایدار و ارزیابی زیست‌محیطی و کنترل گازهای گلخانه‌ای توجه شد؛ این برنامه در دل خود چهار ماده ۱۶ موضوع در فصل توسعه منطقه‌ای و محیط‌زیست و ۳۱ ماده مرتبط با حوزه محیط‌زیست داشته که با وجود پیش‌بینی مشارکت مردمی به دلیل محقق نشدن بخش عمده‌ای از آن نتوانست سرعت تخریب محیط‌زیست و ذخایر زیست‌محیطی را کنترل کند. برنامه ششم توسعه محیط‌زیست با رویکردی خاص و با لحاظ موضوعاتی همچون دیپلماسی محیط‌زیست، کاهش گازهای گلخانه‌ای، مقابله با آلودگی هوا، احیاء تالاب‌ها و رودخانه‌ها و جنگل‌ها و حمایت از تنوع زیست‌محیطی ترسیم شد. یکی از مهم‌ترین قوانین در حوزه جرائم زیست‌محیطی و منابع طبیعی، قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۹۶۷ است که برای حمایت و حفاظت از جنگل‌ها و مراتع تصویب شده است؛ این قانون برای تضمین منابع طبیعی، به برخی از ضمانت‌اجراهای حقوقی و بیش از آن به ضمانت اجرای کیفری متوسل شده است؛ با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین حوزه‌ها در جرائم زیست‌محیطی، مربوط به حوزه جنگل‌ها و مراتع است و اکوسیستم‌های جنگلی به دلیل ویژگی اقتصادی، یکی از مهم‌ترین بخش‌های محیط‌زیست محسوب می‌شوند که به لحاظ دخالت انسان در این امر، اکولوژی جنگل‌ها و مراتع به سمت نابودی کشانده می‌شود. از جمله دیگر قوانین در زمینه واگذاری اراضی، طرح اصلاح ماده ۳۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۹۹۴ است که به موجب آن، وزارت جهاد سازندگی (جهاد کشاورزی) موظف شد ظرف مدت سه سال، اراضی جنگلی جلگه‌ای شمال و مراتع ملی غیرمشجر کشور را که تا پایان سال ۱۹۸۷ بدون دریافت مجوز قانونی تبدیل به باغ یا زراعت آبی شده و یا برای طرح‌های دیگر

می‌دارد: «اموال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عام نسبت به آن‌ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هریک را قانون معین می‌کند». قانون اساسی، حاوی اصولی است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به حفاظت از محیط‌زیست مربوط می‌شود. چنان‌که اصل ۵۰ قانون اساسی اشاره دارد در اصول دیگری از قانون اساسی، حقوق اساسی آحاد ملت، تضمین و سیاست‌گذاری‌های مناسب برای تحقق و تأمین آن حقوق، وظیفه حکومت دانسته شده است. مفاد این اصول، چرخه‌ای به وجود آورده است که از سویی، پیش‌نیاز تحقق بسیاری از حقوق یادشده هستند و از سوی دیگر، اعمال صحیح آن سیاست‌ها به حفظ محیط‌زیست می‌انجامد. تضمین حفاظت از محیط‌زیست در چارچوب تشکیلات و ترتیبات ویژه‌ای امکان‌پذیر است که از آن تحت عنوان افتراقی شدن یاد می‌شود. حمایت و حفاظت از محیط‌زیست در حال حاضر به عنوان یکی از دغدغه‌های نظام‌های حقوقی محسوب می‌شود، به گونه‌ای که توسعه نیز به عنوان یکی از اهداف اصلی هر کشور، باید در چارچوبی قانونمند صورت گیرد. از این رو در نظام حقوقی ما نیز، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور به تصویب رسیده است. در مواد مختلف این قانون که مشتمل بر ۷۳ ماده و ۱۰۰ تبصره بوده و در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۷ به تصویب رسیده است، به مناسبت مقررات مختلفی در جهت حمایت و حفاظت از محیط‌زیست صورت پذیرفته است. به عنوان مثال، در ماده ۲۹ این قانون، مقررات خاصی جهت بهره‌برداری از جنگل‌ها مطرح شده و ضمانت‌اجراهای درخور توجهی نیز در نظر گرفته شده است تا اشخاص سودجو به بهانه توسعه کشور نتوانند جنگل‌ها را - که منابع حیاتی کره زمین و

مورد استفاده قرار گرفته است، در قبال دریافت اجاره‌بها یا قیمت تعیین‌شده، واگذار یا به فروش برسانند. بر اساس پژوهش صورت‌گرفته در این حوزه، حدود ۴۸۹ هکتار زمین در جلگه شمالی کشور به افرادی که اراضی موصوف را تحت تصرف داشته‌اند، واگذار شده است. در آیین‌نامه اجرایی این قانون، سازمان جنگل‌ها موظف به دادن سند به اشخاص متصرف شده است که این موضوع، سبب سندسازی و یا مدرک‌سازی افراد برای دریافت سند مالکیت اراضی ملی و دولتی تحت تصرف شده است. همچنین بسیاری از افرادی که در زمان مقرر برای اجرای این قانون نتوانستند برای اراضی تحت تصرف، سند دریافت کنند هنوز هم به فکر احیای مجدد قانون یادشده هستند که این نتایج، مورد توجه پژوهشگران دیگر نیز قرار گرفته است.

### قانون اساسی و جرایم سبز زیست‌محیطی

حقوق محیط‌زیست یکی از جوان‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های حقوق است. اهمیت این رشته بیشتر از آن جهت است که با حیات و سلامتی «انسان» به صورت مستقیم در ارتباط است. نظر به اهمیت مسائل مربوط به محیط‌زیست و جلوگیری از آلودگی و انهدام مظاهر آن، تحول مهمی که صورت گرفته و به پس از انقلاب اسلامی ایران مربوط می‌شود، این است که مسئله حفاظت از محیط‌زیست، در قانون اساسی وارد شده و یک اصل از اصول قانون اساسی را به خود اختصاص داده است. طبق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌گردد؛ از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است». همچنین اصول دیگری نیز وجود دارند که به نوعی مظاهر و نمودهای محیط‌زیست را مورد اشاره قرار داده و نحوه بهره‌برداری از آن‌ها را تعیین نموده است. از جمله اصل ۴۵ قانون اساسی که مقرر

بخشی از نظام تنوع زیستی هستند - در معرض نابودی و کاهش جبران‌ناپذیری قرار دهند. حفاظت از جنگل‌ها در جهت حفاظت از محیط‌زیست و توسعه پایدار نیز مطرح شده است و این امر به‌عنوان دغدغه‌ای بین‌المللی است. منظور از تکنولوژی‌های دوستدار محیط‌زیست، در واقع، آن دسته از تکنولوژی‌هایی هستند که می‌تواند کمک مؤثری بر کاهش اثرات توسعه بر محیط‌زیست داشته باشند. در قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه نیز مقررات ویژه‌ای جهت حفاظت و حمایت همه‌جانبه از محیط‌زیست صورت گرفته است. آخرین اراده قانون‌گذار در خصوص برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ است. قانون‌گذار در این قانون، بخشی جداگانه را تحت عنوان «محیط‌زیست و منابع طبیعی» به محیط‌زیست اختصاص داده است. به موجب ماده ۳۸ این قانون، دولت موظف شده است تا اقداماتی را در جهت حفاظت از محیط‌زیست به عمل آورد. بر اساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری نیز، برای نخستین بار در حوزه محیط‌زیست، یک سند فرابخشی ارائه شده که مقام مجری این سیاست‌ها، دولت (قوای حاکم) است که در بند ۴ چنین مقرر شده است: «پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط‌زیست و الزام آنان به جبران خسارت». همان‌طور که می‌دانیم مجازات زمانی مؤثر و مفید خواهد بود که مؤلفه قطعیت و سرعت را دارا باشد. مؤلفه سرعت در رسیدگی‌ها با پیش‌بینی دادسرا و دادگاه‌های تخصصی و افتراقی امکان‌پذیر است و قطعیت نیز با وجود قضات تخصصی و آموزش‌دیده به منصفه ظهور می‌رسد. از لحاظ بین‌المللی نیز در نشست استکهلم، به بررسی رابطه آدمی و محیط‌زیست، فناوری و محیط‌زیست و ارتباط آن با رشد فکری، اخلاقی، اجتماعی انسان و نقشی که وی در دگرگونی محیط‌زیست در اثر استفاده غیراصولی

و بی‌رویه و یا بالعکس آن، استفاده اصولی و بجا دارد، پرداخته شد. اصول این اعلامیه، بر حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان حقی بشری تأکید دارد. در بخشی از اصل ده اعلامیه ریو نیز آمده است: «دستیابی و دسترسی مؤثر به اقدامات و مراجع قضایی و اداری متخصص، از جمله مجازات و جبران خسارت بایستی تضمین شود». این مقرر نشان می‌دهد که دسترسی به عدالت قضایی در سه مرحله قابل مشاهده و نیازمند توجه است: مرحله ابتدایی، همان دسترسی به مراجع تخصصی و افتراقی جرائم زیست‌محیطی؛ مرحله میانی، دسترسی به فرایندی که عادلانه و مؤثر باشد؛ و مرحله نهایی، دسترسی به لوازم اجرایی و جبران خسارت‌هایی که تصمیم دادگاه را تأمین نماید و جهت پیشگیری و جبران صدمات محیط‌زیست قابل پذیرش باشد.

#### ۵- الزامات و ضرورت‌های سیاست جنایی اجرایی و پیشگیرانه

##### تقویت کنترل و نظارت در گمرک

کنترل قاچاق از طریق گمرکات ایران بر اساس ساختاری چندوجهی و استفاده از فناوری‌های نوین صورت می‌گیرد: گمرک ایران نقش کلیدی در مبارزه با قاچاق کالا دارد، اما طی سال‌های اخیر نقش محوری مبارزه با قاچاق به نهادهای مختلف و سامانه‌های نظارتی مانند سامانه جامع تجارت، سامانه انبارها و شناسه کالا منتقل شده است. این موضوع باعث کاهش تمرکز گمرک در مرزها و افزایش کنترل درون‌سرزمینی شده است.

برای مقابله بهتر با قاچاق کالا، در گمرکات کشور دستگاه‌های پیشرفته ایکس‌ری نصب شده‌اند که بازرسی هوشمند کالاها و کانتینرهای ورودی و خروجی را ممکن می‌سازند. این دستگاه‌ها امکان بررسی سریع و دقیق کالاهای پلمب‌شده بدون باز کردن بسته‌ها را فراهم می‌کنند و از انتقال کالاهای قاچاق جلوگیری می‌کنند. تمامی گمرکات و بنادر کشور به سیستم مبارزه نرم‌افزاری قاچاق کالا مجهز خواهند شد که موجب افزایش سرعت و دقت در شناسایی موارد قاچاق می‌شود.

خود این نظام سیاسی نقش اساسی ایفا نموده و سرنوشت قرارداد اجتماعی را مشخص می‌کنند. به عبارت دیگر، حقوق و قانون بازتاب ایدئولوژی گروه سیاسی حاکم است که با هدف سرکوب کردن افراد ضعیف‌تر و شست‌وشوی سبز اقدامات آلاینده‌های بزرگ زیست‌محیطی شرکتی و دولتی وضع می‌گردد.

دلیل دیگر بی‌طرف نبودن قانون‌گذار از دیدگاه این جرم‌شناسان این است که به «جرمانگاری‌های نقض حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی به رسمیت شناخته‌شده مردم در قوانین اساسی کشورها و منشور بین‌الملل حقوق بشر اشاره‌ای نمی‌کند و تکلیفی در این زمینه برای قانون‌گذاران مشخص نمی‌کند». علاوه بر این، بسیاری از جرایم زیست‌محیطی توسط شرکت‌های بزرگ ارتکاب می‌یابند، اما عمده ضمانت‌اجراها در قبال آن‌ها ضمانت‌اجراهای مدنی است و تخلف‌انگاری جرایم ارتكابی آن‌ها جلوه دیگری از این طرفداری را نشان می‌دهد. رأی وحدت رویه شماره ۷۴۹ مورخ ۱۲ آوریل ۲۰۱۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور که بر اساس آن حمل غیرمجاز چوب، هیزم و زغال حاصل از درختان جنگلی تخلف محسوب گردیده است، خود گویای این امر است.

(Abdollahi, 2017)

بنابراین، از دیدگاه این جرم‌شناسان تا زمانی که ساختار سیاسی جامعه و به دنبال آن نظام جرم‌انگاری و کیفرگذاری اصلاح نشود، نمی‌توان به پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی امیدوار بود. واقعیت این است که مبارزه با پدیده‌هایی چون استعمار و استثمار زیست‌محیطی، امپراتوری سرمایه و سرمایه‌داری جهانی امری مشکل‌است؛ لازمه این امر آن است که ساختار جامعه جهانی و نهادهای سیاسی بین‌المللی، به‌ویژه شورای امنیت که ساختاری طبقاتی، تبعیض‌آمیز، سرمایه‌داری و غیر اکولوژیک است، اصلاح شود. در سطح ملی، شکل‌گیری «دولت اکولوژیک»، یعنی دولت مبتنی بر مشارکت آگاهانه و آزادانه شهروندان اکولوژیک، تا حدودی می‌تواند جلو بحران‌های زیست‌محیطی را بگیرد.

برای جلوگیری از انتقال غیرقانونی خاک از کشور، افزایش کنترل و نظارت در گمرک از اهمیت بالایی برخوردار است و در سال‌های اخیر تدابیر قانونی و اجرایی مختلفی برای مقابله با این پدیده به‌کار گرفته شده است. طبق قانون حفاظت از خاک که از چند سال پیش تصویب گردیده، هرگونه انتقال و فروش خاک به خارج از کشور ممنوع بوده و برای متخلفان مجازات تعزیری مشخص شده است. صدور هر نوع خاک کشاورزی، مرتعی و نباتی بدون اخذ مجوز، ممنوع است و تنها مقادیر محدود و برای مصارف پژوهشی با اجازه وزارت جهاد کشاورزی مجاز شده است.

گمرک برای جلوگیری از هرگونه تخلف، سامانه‌ها و روش‌های نوین کنترلی را پیاده‌سازی کرده است. اقدامات مهم شامل موارد زیر است:

- جایگزینی پروانه‌های الکترونیکی به جای پروانه‌های کاغذی برای جلوگیری از جعل.
- الکترونیکی کردن تمامی بخش‌های گمرک و تبادل اطلاعات با سایر نهادهای نظارتی.
- استفاده از سیستم‌های مانیتورینگ و بررسی هوشمند اطلاعات محموله‌ها.

- کنترل سلامت پلمب محموله‌ها و بازرسی در صورت لزوم توسط کارشناسان گمرک. (Shakeri et al., 2021)

## پیشگیری از طریق اصلاح ساختارهای سیاسی، حقوقی و اقتصادی جامعه

یکی از راهبردهای جرم‌شناسی فرهنگی سبز برای پیشگیری از جرایم و رفتارهای آسیب‌زای زیست‌محیطی، اصلاح ساختارهای سیاسی و حقوقی جامعه است. چون طرفداران این جرم‌شناسی، جرم را برساخته قدرت و نظام سیاسی می‌دانند. به عقیده آنان نظام جرم‌انگاری و کیفرگذاری نظامی مستقل، عادلانه و بی‌طرف نیست و در بسیاری از موارد بازتاب منافع گروه‌های فشار و ذی‌نفع و خود نظام سیاسی است؛ همان گروه‌هایی که در فرایند شکل‌گیری

### ۳-۵ پیشگیری و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی

سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی عبارت است از: تشکل‌های سازمان‌یافته، غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی که در قالب شخصیت‌های حقوقی مختلف جهت تحقق اهداف و آرمان‌های مشترک در زمینه حمایت و حفاظت از محیط‌زیست در سطح ملی و بین‌المللی به فعالیت می‌پردازند، منظور از گروه‌ها و جمعیت‌های مردمی نیز آن دسته از جمعیت‌ها و گروه‌های خودجوش مردمی هستند که بدون اینکه دارای شخصیت حقوقی باشند، گردهم می‌آیند و با هماهنگی با همدیگر برای حفظ محیط‌زیست و مقابله با نماهای فرهنگ مصرف‌گرایی و سرمایه‌داری اقدام به فعالیت‌هایی می‌نمایند؛ مثل «جمعیت بازپس‌گیری خیابان‌ها» در لندن، و «جمعیت انتقادی دوچرخه‌سواران»، «گروه باغبانی چریکی» در آمریکا و جمعیت‌هایی مثل «جبهه سبز» و «جمعیت سبز ایران» و کمپین‌های فصلی پاک‌سازی محیط‌زیست، جنبش صرفه‌جویی در مصرف آب و جنبش‌های حمایتی محلی (مثل جنبش مقابله با خشک‌سالی رودخانه زاینده‌رود در اصفهان و دریاچه ارومیه در آذربایجان غربی) در ایران که با اهدافی چون شناسایی عوامل آلوده‌کننده محیط‌زیست و جلوگیری از آفات زیست‌محیطی، جلوگیری از گسترش کویر و تبلیغ فرهنگ درختکاری و سبک زندگی زیست‌محیطی فعالیت می‌کنند.

(Ghasemi, 2007)

آگاه‌سازی، اطلاع‌رسانی از فعالیت‌های زیست‌محیطی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، همایش‌های زیست‌محیطی و انجام تحقیقات علمی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست، نظارت بر فعالیت‌های زیست‌محیطی اشخاص و مقابله با تخریب محیط‌زیست و نماهای فرهنگ مصرف‌گرایی و سرمایه‌داری از جمله فعالیت‌های این گروه‌ها و سازمان‌ها است. سازمان‌های مردم‌نهاد به دلیل غیردولتی، غیرسیاسی و مستقل بودن می‌توانند به عنوان «نهادهای نظارتی برون‌سازمانی» بر اعمال و رفتارهای مخرب زیست‌محیطی

شرکت‌ها و نهادهای دولتی، اعمال نظارت نموده و بدین ترتیب نقش مؤثری در پیشگیری وضعی از آسیب‌ها و جرایم زیست‌محیطی داشته باشند. به عبارت دیگر، این گروه‌ها و سازمان‌ها به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارند کمتر تحت تأثیر پدیده «تسخیر نهایی» واقع می‌شوند. بر این اساس، جرم‌شناسان فرهنگی سبز بر تغییر فرهنگ رسانه‌ای جرایم و آسیب‌های زیست‌محیطی با استفاده از آموزه‌ها و نظریه‌های «جرم‌شناسی خبرساز» تأکید می‌کنند.

بر این اساس، تقویت رسانه‌های زیست‌محیطی، تشکیل شبکه‌های خبری مستقل زیست‌محیطی، مداخله و مشارکت مستقیم فعالان و متخصصان محیط‌زیست در فرایند ساخت‌بندی اخبار و احادیث مربوط به جرایم و آسیب‌های زیست‌محیطی، تبیین علل و عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی بحران‌های زیست‌محیطی در رسانه‌ها، تشکیل گروه‌های تخصصی ارتباطات زیست‌محیطی در سازمان حفاظت محیط‌زیست و کاهش حضور مستقیم و فعال دولت در رسانه‌های جمعی می‌تواند در پیشگیری از جرایم و آسیب‌های زیست‌محیطی و شکل‌گیری صحیح افکار عمومی راجع به جرایم و آسیب‌های زیست‌محیطی نقش مهمی ایفا کند.

(Kardavani, 2003)

هرچند قانون‌گذار ایران در قوانین و مقررات مختلف از جمله ماده ۳۳ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۳ مه ۱۹۹۵، بند «د» ماده ۶ قانون حفاظت از محیط‌زیست مصوب ۱۵ نوامبر ۱۹۹۲، بند «خ» ماده ۶ قانون شکار و صید مصوب ۶ ژوئن ۱۹۶۷ و اصلاحی ۱۵ دسامبر ۱۹۹۶ و بند «د» ماده ۳۳ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۱ مارس ۲۰۱۷ وظایفی را برای سازمان حفاظت از محیط‌زیست و رسانه‌های دولتی و صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به منظور اجرای برنامه‌های آموزشی، تنویر افکار عمومی در ارتباط با مسائل زیست‌محیطی و ترویج سبک زندگی

مصوب ۲۰۱۳ یکی از بسترهای قانونی افتراقی‌سازی دادگاه‌ها ماده ۵۶۶ است که مقنن به موجب این ماده این ظرفیت را ایجاد کرده است تا مراجع قضایی به سمت افتراقی‌سازی دادگاه‌ها پیش بروند. از آنجا که وظیفه قوه قضائیه حسب اصول شصت و یکم و یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حفظ حقوق عمومی، احیای حقوق عامه و نظارت بر حسن اجرای قوانین است، اما متأسفانه در جهت تشکیل دادگاه‌های تخصصی زیست‌محیطی در تمامی شهرستان‌ها گام برداشته نشده است. پرواضح است که یکی از حقوق عامه که همگان از آن بهره‌مند می‌شوند حق بر محیط‌زیست سالم و ایمن است. تضمین حفاظت از این حق، برخوردی تخصصی و افتراقی را می‌طلبد و یکی از حوزه‌های افتراقی‌سازی، تشکیل دادگاه‌های تخصصی در جرایم زیست‌محیطی است. (Mashhadi, 2021)

#### تخصصی‌سازی ساختارها و کنشگران و لزوم پیش‌بینی دادستان

##### زیست‌محیطی

بر اساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری ۲۰۱۵، برای نخستین بار در حوزه محیط‌زیست یک سند فرابخشی ارائه شده که مقام مجری این سیاست‌ها دولت قوای حاکم است. در بند ۴ این سند پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط‌زیست و الزام آنان به جبران خسارت پیش‌بینی شده است. پرواضح است که مجازات زمانی مؤثر و مفید خواهد بود که مؤلفه قطعیت و سرعت را دارا باشد. سرعت در رسیدگی‌ها با پیش‌بینی دادرسی و دادگاه‌های تخصصی یا افتراقی امکان‌پذیر است و قطعیت نیز با وجود قضات تخصصی و آموزش‌دیده به منصف ظهور می‌رسد. (Abbasi, 2016)

اگر قوانین مربوط به محیط‌زیست با دقت و با توجه به اصول و اهداف نظام حقوق کیفری تهیه و تنظیم شوند، اما متصدیان اجرایی از قبیل ضابطان و قضات به اهداف این قوانین، اعتقاد و باور نداشته

زیست‌محیطی پیش‌بینی کرده است. با وجود این، رسانه‌ها همان‌گونه که اشاره شد، به وظایف خود در این زمینه به‌صورت علمی و سیستماتیک عمل نکرده‌اند و صرفاً به اجرای برنامه‌های نمایشی، مقطعی و گذرا اکتفا کرده‌اند. با وجود ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۲۰۱۳ و دستورالعمل اخیرالتصویب رئیس قوه قضائیه، نگاه به قوانین و مقررات مصوب در زمینه محیط‌زیست به‌طور خاص، از جمله قانون شکار و صید، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، آیین‌نامه اخذ ورودی از پارک‌ها و موزه‌ها، قانون مجازات صید غیرمجاز در دریا و غیره، مؤید این مطلب است که در این متون قانونی، اشاره‌ای به حق اقامه دعوی توسط اشخاص خصوصی و یا سازمان‌هایی که متصدی امر حفاظت محیط‌زیست نمی‌باشند، نشده است. تنها در بند «ط» ماده ۳۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۰۱۷، قانون‌گذار امکان مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی را به‌صورت محدود و در تهیه، تدوین و اجرای برنامه‌های حفاظت از محیط‌زیست پیش‌بینی نموده است...؛ این امر، به نوبه خود بر تردید رویه قضایی نسبت به پذیرش مشارکت عمومی در زمینه مقابله با جرایم زیست‌محیطی و پیشگیری از آن‌ها افزوده و فرایند مزبور را با اختلال مواجه نموده است.

#### ضرورت رسیدگی افتراقی به جرایم زیست‌محیطی در نظام

##### حقوقی ایران

در حال حاضر در نظام حقوقی ایران، با پیش‌بینی ماده ۳۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۲۰۱۳، شاهد گسترش دادرسی‌های تخصصی هستیم. این ماده به رئیس قوه قضائیه این اختیار را داده است که اقدام به تشکیل دادرسی‌های تخصصی نماید که در واقع، پیام‌آور بحث افتراقی شدن و فنی شدن رسیدگی‌ها در مرحله پیش‌دادرسی، به‌ویژه در جرایمی است که مجرمین آن از حالت خطرناکی بالایی برخوردارند. در قانون آیین دادرسی کیفری

باشند، نظام عدالت کیفری در نیل به اهداف خود دچار گسست شده و عملاً در این حوزه توفیقی به دست نمی‌آید. امروزه با توجه به فنی و تخصصی بودن جرایم سبز قضات رسیدگی‌کننده باید با بایسته‌های حقوق محیط‌زیست آشنایی لازم را داشته باشند. اما متأسفانه در حال حاضر در نظام حقوقی ما کنشگران مرحله پیش‌دادرسی و دادرسی آموزش‌هایی را در این زمینه نمی‌بینند و می‌توان به‌طور قاطع گفت که اگر هم دادرسی تخصصی وجود دارد، فقط عنوانش تخصصی است.

گاهی دیده می‌شود قضات محترم، خود به دفاع از قوه مجریه برخاسته و با این توجیه که نصب سیستم جلوگیری‌کننده از آلودگی محیط‌زیست یا تغییر محل کارگاه به منبع مالی هنگفتی نیاز دارد که خارج از توان دولت است یا تعطیلی کارخانه که باعث بیکاری کارگران می‌شود، برای مشتکی‌عنه قرار منع تعقیب صادر می‌کنند. به‌عنوان مثال می‌توان به نظر بازپرس دادرسی‌میان‌دوآب در صدور قرار منع تعقیب در رسیدگی به شکایات مورخ ۳۰ اکتبر ۱۹۸۴ اداره حفاظت از محیط‌زیست میان‌دوآب از مدیرعامل کارخانه قند اشاره نمود که مورد تأیید دادستان نیز قرار گرفته بود. مشارالیه در جلسه رسیدگی به شکایت مزبور در تاریخ ۹ ژوئیه ۱۹۸۶ چنین استدلال می‌کند که «... جهت جلوگیری از آلودگی آب رودخانه زرينه‌رود به فرض صحت کامل ادعای اداره شاکي، مستلزم صرف هزینه‌های هنگفت جهت تعبیه و نصب دستگاه‌های عظیم تصفیه آب و ... جهت جلوگیری از ریزش فاضلاب هرگونه تأسیسات از جمله فاضلاب بیمارستان عباسی و خانه‌های مسکونی واقع در اکناف رودخانه مذکور می‌باشد ... که نه تنها از عهده کارخانه قند میان‌دوآب بلکه احتمالاً از عهده دولت نیز خارج است».

(Firouz bakhsh et al., 2012)

به نظر می‌رسد در رسیدگی به جرم‌های سبز باید سیستم تعدد قاضی حاکم باشد و قضات از میان افرادی انتخاب شوند که فارغ‌التحصیل حقوق محیط‌زیست یا حقوق کیفری آشنا با مسائل

زیست‌محیطی باشند. البته آموزش‌های مداوم این دسته از قضات جهت رویارویی با جرایم فنی علیه محیط‌زیست و نیز آگاهی از تعهدات زیست‌محیطی بین‌المللی امری لازم و ضروری است. متأسفانه امروزه علی‌رغم تصریح ماده ۹ قانون مدنی، مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی دولت ایران به آن پیوسته و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در حکم قانون بوده و برای دادگاه‌های کشور لازم‌الاتباع است، قضات آشنایی با این دسته از تعهدات بین‌المللی ندارند یا اینکه اعتقاد و میلی به تعهدات بین‌المللی ندارند. در حالی که آشنایی کامل و باور به اینکه عمل به تعهدات زیست‌محیطی بین‌المللی موجب شکوفاتر شدن محیط‌زیست و حفظ آن در مقابل تخریب و آلودگی می‌شود، یکی از مهم‌ترین بایسته‌های افتراقی نمودن و تخصصی کردن رسیدگی به جرایم ضد سبز است.

خصیصه‌های جرم‌شناختی بزه‌کاران و خود جرایم ضد سبز و بزه‌دیدگی جمعی در این دسته از جرایم اقتضا می‌کند که علاوه بر تشکیل دادرسی تخصصی جرایم سبز، تحقیق و بازجویی از مرتکبان توسط ضابطان آموزش‌دیده صورت گیرد. از این رو به‌کارگیری ضابطان حرفه‌ای یا پلیس تخصصی باید مورد توجه قانون‌گذار باشد. در فلوریدا ضابطان قضایی حیات‌وحش علاوه بر آنکه به جرایم این حوزه رسیدگی می‌کنند، مسئول برخورد با دیگر جرایم نیز هستند. این امر بدان دلیل است که آن‌ها زیرمجموعه قانون عام ضابطان قضایی هستند. اما در نقطه مقابل، در هلند نیروهای پلیس، تخصص‌محور هستند و تنها در حوزه مربوط به خود فعالیت می‌کنند. از این رو، پلیس حمایت از محیط‌زیست تنها به جرایم این حوزه رسیدگی می‌کند. در انگلستان، افسران حیات‌وحش به مسائل این حوزه می‌پردازند. در اسکاتلند نیز پلیس سبز تشکیل شده است. شاید دلیل تشکیل پلیس تخصصی آموزش‌دیده، ماهیت خاص جرایم ضد سبز است؛ به‌طوری که هر جرم مستلزم پاسخ ویژه‌ای است. در حال حاضر ضابطان خاصی

توجه به تخصصی که دارند، تأثیر آن‌ها در تحقق عدالت زیست‌محیطی مهم ارزیابی می‌شود.

نهاد‌های غیردولتی یا دادستان‌های خصوصی می‌توانند از انحصارگرایی دولتی پیشگیری کنند و در منطقی نمودن سیاست‌ها نقش ایفا کنند. فلسفه نقش‌آفرینی این نهادها، حمایت از ارزش‌های اجتماعی و منافع عمومی و بزه‌دیدگان است. هر یک از اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند در حفظ محیط‌زیست به ایفای نقش پردازند. اما تأثیر آن‌ها یکسان نیست. برخی به تناسب موقعیت رسمی و برخی از طریق فعالیت‌های غیررسمی به ایفای نقش می‌پردازند. دسته دوم همان سازمان‌های غیردولتی هستند که متأسفانه در کشور ما نقش ناچیزی در دادرسی زیست‌محیطی دارند. دادخواهی زیست‌محیطی یکی از اجزای طبیعی حق بر محیط‌زیست سالم است. حقی که به همه افراد و شهروندان اجازه می‌دهد نسبت به موارد تخریب یا آلودگی محیط‌زیست، علاوه بر اینکه موجبات خسارت و ضرر شخصی و فردی مستقیم را فراهم نموده باشند، به جهت نفع عمومی اقامه دعوی نمایند. از این رو افراد و سازمان‌های غیردولتی باید بتوانند از موارد نقض این حق به مراجع اداری و به‌ویژه قضایی شکایت نمایند. تحقق این امر باعث پیشگیری مشارکتی از جرایم زیست‌محیطی می‌گردد.

(Ramezani Ghavamabadi & Shafighfard, 2016)

در راستای حمایت از بزه‌دیده و مشارکت دادن نهاد‌های مدنی در فرایند کیفری، مقنن برای اعلام جرم، توجه خاصی به برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد نموده است. این سازمان‌ها یعنی مؤسسات غیردولتی غیرانتفاعی، وقتی که خود بزه‌دیده واقع می‌شوند می‌توانند اقدام به شکایت کیفری نمایند. در غیر این صورت اعلام‌کننده جرم هستند، اما جایگاه آنان را ق.ا.د.ک از یک اعلام‌کننده صرف به یک دنبال‌کننده فعال ارتقاء داده است. بدین ترتیب، سازمان‌های مردم‌نهاد حق اعلام جرم، نه شکایت، و حق معرفی نماینده جهت حضور در دادسرا و دادگاه و دریافت

که در جرایم زیست‌محیطی وجود دارند، آموزش‌های عمومی را می‌گذرانند نه آموزش‌های فنی و تخصصی در حوزه جرایم سبز. از این منظر نظام حقوقی ما با ضعف جدی مواجه است و همین امر توجیه‌گر تشکیل پلیس تخصصی و اهمیت آموزش فنی و تخصصی به ضابطان جرایم سبز است.

یکی دیگر از چالش‌های حوزه سیاست جنایی واکنشی سبز، استفاده از مراجع پیرا قضایی است که آموزش‌های زیست‌محیطی لازم را ندیده‌اند. منظور از مراجع غیرقضایی رسیدگی، مراجعی هستند که از افرادی غیر از دارندگان پایه قضایی تشکیل شده و به‌تنهایی یا در کنار مراجع قضایی در رسیدگی به برخی جرائم دخالت دارند. در حال حاضر سه دسته از این مراجع در نظام دادرسی کیفری ایران وجود دارند که عبارت‌اند از: هیأت منصفه، شورای حل اختلاف و سازمان تعزیرات حکومتی. با توجه به اینکه میزان جزای‌های مقرر در قانون هوای پاک مصوب ۲۰۱۷ به‌صورت قابل‌ملاحظه‌ای افزایش یافته، با اصلاح قانون در سال ۲۰۱۵، شورای حل اختلاف دیگر جایگاهی در رسیدگی به پرونده‌های زیست‌محیطی ندارد و این پیشرفت خوبی است. چراکه سهل‌گیری‌ها در این دسته از جرایم، مناسب نیست و اشخاصی که در شورای حل اختلاف هستند نیز آشنایی به بایسته‌های حقوق محیط‌زیست ندارند. یکی از حوزه‌هایی که می‌توان با الهام‌گیری از آن اقدام به پیش‌بینی قانونی دادستان حوزه محیط‌زیست نمود، دادستان مالیاتی است. حوزه محیط‌زیست مستقیم با جان انسان‌ها سروکار دارد و حضور دادستان حوزه محیط‌زیست حائز اهمیت است. (Dabiri, 2011)

لزوم بازتر شدن شبکه نسبت به جامعه مدنی (کنشگران سبز پیرا قضایی)

در دادرسی افتراقی سبز، صرف فعالیت قضات متخصص کافی به نظر نمی‌رسد و وجود کنشگرانی پیرا قضایی نه تنها مفید بلکه ضروری است. این کنشگران از دست‌اندرکاران قضایی نیستند و با

احضارنامه و نیز حق ارائه دلیل را دارند. البته دو محدودیت برای دخالت این سازمان‌ها وجود دارد: اولاً، حوزه‌های فعالیت آن‌ها در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۲۰۱۳ حصری بوده و شامل سازمان‌های مردم‌نهاد دیگر، مثلاً فعال در زمینه حمایت از حیوانات، نمی‌شود. در این راستا، مقنن حق تشخیص سازمان‌های فعال در حوزه‌های مذکور را هم از مقامات قضایی سلب کرده و اسامی آن‌ها را محدود به فهرستی نموده بود که توسط قوای مجریه و قضائیه تهیه می‌شد. تبصره ۳ ماده ۶۶ قانون مذکور مقرر می‌داشت: «اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند، در سه‌ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.» اما خوشبختانه بند پ ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۲۹ ژانویه ۲۰۱۷ جایگزین تبصره ۳ ماده ۶۶ شده است. این بند مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۲۰۱۳ استفاده کنند که از مراجع ذی‌صلاح قانونی ذی‌ربط مجوز اخذ نمایند و اگر سه بار متوالی اعلام جرم رد شود، برای یک سال از استفاده از آن محروم شوند. این بند جایگزین تبصره ۳ ماده ۶۶ قانون مذکور می‌شود.» ثانیاً، دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد در جرائم دارای بزه‌دیده خاص منوط به موافقت بزه‌دیده یا ولی یا قیم یا سرپرست قانونی اوست. تبصره ۱ ماده ۶۶ مقرر می‌دارد: «در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.»

درست است که شرکت سمن‌ها در دادرسی، تشریفاتی نیست و باید بتوانند ادله خود را ارائه دهند، اما با حذف اقامه دلیل و اعتراض، صراحت این حق را ندارند و این ضعفی جدی است. از الفاظ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری این‌گونه برمی‌آید که هدف از اصلاحات محدود نمودن سمن‌ها و جایگاه اعلام جرم بخشیدن به آن‌ها و شرکت در تمام مراحل دادرسی بوده است. رویه قضایی می‌تواند جهت به رسمیت شناختن هرچه بیشتر سمن‌ها، شرکت آن‌ها در تمام مراحل دادرسی را شامل مرحله پیش‌دادرسی نیز بداند، چراکه مرحله پیش‌دادرسی بخشی از فرایند دادرسی است و در ماده مربوطه به آن اشاره شده است. در این صورت می‌توان اقامه دلیل را برای آن‌ها پذیرفت، زیرا ارائه دلیل در مرحله دادرسی مهم است و در این صورت می‌توان هدف مقنن را علنی بودن دادرسی ندانست. چراکه علنی بودن دادرسی شامل محاکمات و ناظر به مرحله دادرسی است. از این رو، اگر اقامه دلیل را با این تفسیر بپذیریم، اعتراض به آراء نیز پذیرفتنی است. تبصره ۲ ماده ۶۶ مقرر داشته است: ضابطان دادگستری و مقامات قضائی مکلف‌اند بزه‌دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه، آگاه کنند. اما ضمانت اجرایی برای عدم اطلاع‌رسانی در این خصوص طرح نشده و ماده ۶۳ نیز که در مقام بیان ضمانت اجرای تخلف ضابطان است، اسمی از ماده ۶۶ نبرده است. به هر صورت، ماده ۶۶ باز هم دچار اصلاحاتی خواهد شد و امید است که این اصلاحات با توجه به افزایش مشارکت این دسته از شهروندان باشد. سازمان‌های غیردولتی یا سمن‌ها به‌عنوان مهم‌ترین بازیگران و کنشگران غیردولتی می‌توانند تأثیر مهم و بسزایی در دادخواهی‌های زیست‌محیطی داشته باشند.

(Ebrahimi, 2015)

## لزوم پیش‌بینی اعلام جرم اجباری (اقتضای عدالت زیست‌محیطی)

در زمینه حفاظت از محیط‌زیست و پیشگیری از ارتکاب جرایم در این حوزه، باید توجه مضاعفی به بحث اعلام جرم نمود. اعلام جرم اجباری که با ضمانت اجرای کیفری همراه می‌گردد، در برخی از قوانین کیفری دیده می‌شود. در خصوص جرایم سبز نیز می‌توان این نوع اعلام جرم را در قانون شکار و صید مصوب ۱۹۶۷ مشاهده نمود. ماده ۲۰ این قانون مقرر می‌دارد: «در صورتی که گزارش مأمور سازمان برخلاف واقع باشد، مأمور مزبور به دو برابر کیفر جرمی که موضوع گزارش بوده محکوم خواهد شد. در مواردی که مأمور شکاربانی با اطلاع از وقوع جرائم مذکور در این قانون از جریان امر به مقام مسئول گزارش ندهد، بر حسب مورد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.»

عدالت زیست‌محیطی زمانی تحقق می‌یابد که سیستم عدالت کیفری حمایتی بجا و مناسب از حوزه محیط‌زیست نماید. اعلام جرم اجباری شاید در ابتدا مغایر با آزادی‌های انسان باشد، اما هیچ آزادی نباید حق دسترسی به محیط‌زیست سالم را به خطر اندازد. پیش‌بینی اعلام جرم اجباری در برخی از جرایم زیست‌محیطی برای برخی از سازمان‌ها و نهادهایی که داعیه حمایت از محیط‌زیست را دارند، امری لازم و ضروری است. اما متأسفانه گاه دیده می‌شود نه تنها چنین الزامی وجود ندارد بلکه برای برخی از این نهادها و سازمان‌های حامی محیط‌زیست، موقعیت شاکي و مدعی خصوصی در نظر گرفته شده است. این سازمان‌ها علاوه بر اینکه نباید شاکي یا مدعی خصوصی باشند، جلوگیری از تالی فاسد: گذشت بی‌جا و عدم پیگیری، باید به‌عنوان اعلام‌کنندگان جرم، با ضمانت‌های کیفری در مقابل عدم اعلام جرم مواجه شوند.

(Sadeghi & Fathi, 2009)

## پیش‌بینی مواعد طولانی مرور زمان در تعقیب و صدور حکم

مرور زمان، محدودیتی زمانی برای اقامه دعوا علیه متهم ایجاد می‌کند. کشف و اثبات جرایم ضد سبز نیاز به زمانی طولانی دارد. در کشورهای مختلف در مورد مبدأ، مدت و چگونگی محاسبه مرور زمان، تفاوت‌هایی وجود دارد. به‌عنوان مثال در برخی از کشورها تا هنگامی که جرم کشف نشود، مرور زمان هم شروع نمی‌شود و در کشورهای دیگر، شروع مرور زمان موقوف به دستگیری متهم است. (Heydarzadeh & Mozaffarizadeh, 2013)

هدف از وضع چنین قواعد مهمی آن است که جرایم شدید را نباید بدون مجازات گذاشت، حتی اگر زمان بیشتری برای اجرای عدالت لازم باشد. دعاوی مربوط به آسیب‌های زیست‌محیطی اغلب سال‌ها پس از انتشار یک بخش یا تمام آلاینده‌ها به محیط‌زیست اقامه می‌شوند. از این رو، مرور زمان بسیار اهمیت دارد. معمولاً در خصوص جرایم زیست‌محیطی قاعده کشف را اعمال می‌کنند، یعنی تاریخ محاسبه مرور زمان از هنگامی آغاز می‌شود که خواهان دانسته و یا به‌طور معقولی باید می‌دانسته که جراحت شخصی یا خسارت به دلیل مواد و آلاینده‌های خطرناک ایجاد شده است. البته در برخی از نظام‌های حقوقی، آلودگی را یک جرم مستمر می‌دانند. از این رو جای جرایم علیه محیط‌زیست در ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۰۱۳ خالی است.

## لزوم افزایش مدت بازداشت و تحت نظر

بازداشت موقت بدون تردید مطمئن‌ترین وسیله در اختیار قضات کیفری است برای جلوگیری از اینکه متهم در طول تحقیقات مقدماتی و حتی ادامه آن در تحقیقات نهایی و در مرحله قطعیت حکم و اجرای مجازات نتواند با فرار یا مخفی کردن خود موجبات اختلال در رسیدگی به جرم و تأخیر یا عدم موفقیت در اجرای حکم کیفری را فراهم سازد. با توجه به اینکه مرتکبان جرم‌های ضد سبز سودهای کلانی کسب می‌کنند، مثلاً از تجارت گونه‌های

### ناکارآمدی قوانین موجود

اهمیت روزافزون مسائل زیست‌محیطی، کشورهای جهان را بر آن داشت تا با همکاری یکدیگر، اقدام به تنظیم قواعد و مقررات بین‌المللی در قالب‌های مختلف اعلامیه، معاهده، اعم از جهانی و منطقه‌ای و دیگر اسناد بین‌المللی در راستای حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی موجود در آن بنمایند. در بسیاری از اسناد مذکور، از دولت‌ها خواسته شده است که تمهیدات لازم را برای اجرای مقررات تنظیمی فراهم آورند. به همین منظور، بسیاری از دولت‌ها تاکنون سازمان‌های مشخصی را مسئول رسیدگی به امر حفاظت از محیط‌زیست طبیعی ساختند. تعداد قابل‌توجهی از دولت‌ها اقدام به تأسیس وزارتخانه و برخی دیگر از آن‌ها مسئولیت صیانت از محیط‌زیست را به سازمان‌های تخصصی واگذار نمودند. با وجود تلاش نهادها و سازمان‌های اخیرالذکر، متأسفانه جامعه جهانی همچنان شاهد رشد فزاینده مسائل و مشکلات زیست‌محیطی در حوزه وسیعی از قلمرو جغرافیایی جامعه جهانی است. خلافاً و کاستی‌های گوناگون در حوزه‌های مختلف قانون‌گذاری و اجرایی، نهادها و سازمان‌های حفاظتی را تا حدود زیادی ناکارآمد ساخته است. (Yousefi Kahrizeh & Sadeghi, 2015)

با مطالعه اجمالی در حوزه قانونی کشورهای مختلف، این نتیجه حاصل می‌گردد که در اکثر موارد، دولت‌ها در صیانت از محیط‌زیست با کمبود قانون مواجه نیستند و سیاست‌گذاری و اصول لازم‌الاجرا در حوزه‌های مختلف زیست‌محیطی چون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع، صید و شکار و ... وجود دارد. برای مثال، کشورهایی چون چین، روسیه، برزیل، اتحادیه اروپا و همچنین دولت جمهوری اسلامی ایران و ... از قوانین جامع و مؤثری در راستای حفاظت از محیط‌زیست برخوردارند. دولت چین، جزو اولین کشورهای در حال توسعه برای پیاده‌سازی یک استراتژی توسعه پایدار محسوب می‌گردد. این کشور همچنین طرح‌هایی را برای افزایش حمایت از محیط‌زیست و مبارزه با

نادر یا سازمان‌یافته، می‌توانند وجه‌الضمان و وثیقه را به‌راحتی تأمین کنند. از این رو در مراحل تحقیقات مقدماتی این دسته از جرایم، نظام خاصی در خصوص بازداشت موقت و تحت نظر قرار گرفتن متهمان این جرایم پیش‌بینی شده است. (Omidi & Yousefipour, 2014)

در جرایم سبز سازمان‌یافته و تروریسم زیست‌محیطی نیز این افزایش مدت بازداشت و تحت نظر بودن شخص متهم به علت خطرناکی جرایم ضد سبز و مجرمان آن لازم است.

### تسریع در رسیدگی با تحول در بار اثبات (فرض مجرمیت)

امروزه با توجه به جهانی شدن بسیاری از پدیده‌ها، شکل جدیدی از فعالیت‌های مجرمانه در قالب سندیکایی سازمان‌یافته در حال گسترش است. در این میان محیط‌زیست هم از این امر مستثنی نشده است. برای مثال تجارت گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض انقراض که یکی از پرسودترین فعالیت‌ها در عرصه تجارت جهانی است، اغلب در قالب فعالیت‌های گروه‌های سازمان‌یافته انجام می‌شود. مهم‌ترین جرائم زیست‌محیطی سازمان‌یافته عبارت‌اند از: گرفتن و شکار غیرقانونی گروه‌های در معرض خطر، بهره‌برداری غیرقانونی از چوب و الوار، تجارت غیرقانونی سنگ و جواهر و استخراج غیرقانونی معادن.

ضرورت حفظ نظم عمومی، ضرورت تسهیل اثبات جرائم خطرناک و پیچیده، اصل احتیاط و ناکارآمدی قاعده استصحاب و ضرورت حمایت از بزه‌دیدگان خاص از محورهای مهم مبانی و چرایی عدول از اصل برائت و تقدیم اماره مجرمیت است. اصل احتیاط یادآور می‌شود که در جرایم خطرناکی چون تروریسم زیست‌محیطی و جرایم سازمان‌یافته زیست‌محیطی باید بار اثبات معکوس شود و فرض بر خطرناکی این جرایم باشد، مگر اینکه متهم بی‌گناهی خود را اثبات نماید.

### ۶- چالش‌های سیاست جنایی تقنینی ماهوی در مواجهه با

جرایم انتقال بدون مجوز خاک

لازم را در راستای حفاظت از محیط‌زیست در مورد آن تدوین نمود مسئله حمایت از تالاب‌های دارای اهمیت بین‌المللی، از جمله تالاب موجود در شهر رامسر ایران است. با توجه به مطالب ذکر شده به نظر می‌رسد نبود قوانین و مقررات در بسیاری از دولت‌ها، چالش اصلی حفاظت از محیط‌زیست به شمار نمی‌رود. حال این سؤال اساسی مطرح می‌شود که مشکل کجاست؟ چرا جامعه جهانی هنوز به نحو روزافزون شاهد مسائل و مشکلات زیست‌محیطی است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان اظهار داشت که صرف وجود قانون برای برقراری یک نظام مؤثر و کارآمد حفاظت از محیط‌زیست کافی نیست. این قوانین باید به گونه‌ای مطلوب اجرا شوند. اینجاست که می‌بینیم علی‌رغم وجود قوانین لازم و نسبتاً کافی، بسیاری از آن‌ها به دلایل متعدد، مثلاً غیرروزامد بودن و یا فقدان آیین‌نامه‌های اجرایی لازم، یا اجرا نشده و یا در صورت اجرا، چندان مؤثر واقع نمی‌شوند. پس چه باید کرد؟ با توجه به مطالب پیش گفته، لزوم بازنگری و اصلاح قوانین موجود کاملاً احساس می‌گردد. لذا این مسئله اهتمام قانون‌گذاران به تجدیدنظر در قوانین موجود و همچنین توجه آن‌ها به افزایش صلاحیت‌ها و اقتدارهای تقنینی و نظارتی نهادهای حفاظتی محیط‌زیست را می‌طلبد.

#### فقدان جرم‌انگاری جرایم زیست‌محیطی فرامرزی در قوانین داخلی

یکی از چالش‌های موجود در مورد جرایم زیست‌محیطی فرامرزی، فقدان جرم‌انگاری آنان در قوانین داخلی کشورها است. از آنجا که کشورها به دنبال تحقق منافع خود هستند اعمال ضدحاکمیتی و مخل نظم عمومی را تنها در قلمرو مرز خود در نظر گرفته و اقدام به جرم‌انگاری آن‌ها می‌کنند. عموماً نظام‌های سیاسی، در قوانین داخلی، رفتارهای مخرب فرامرزی را جرم‌انگاری نمی‌کنند؛ زیرا تمایلی به درگیر شدن در فرایندهای حقوق کیفری بین‌المللی ندارند. جرم‌انگاری رفتارهای مخرب فرامرزی در قوانین داخلی

تخریب آن تهیه کرده، و صیانت و مراقبت از محیط‌زیست طبیعی و منابع آن را به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از سیاست‌های اقتصادی خود می‌داند و معتقد است که یک سیاست اقتصادی خوب، ناشی از خط‌مشی زیست‌محیطی خوب است. در روسیه، حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از امنیت ملی در نظر گرفته شده است و از این دیدگاه، قوانین زیادی در حوزه‌های مختلف زیست‌محیطی به تصویب رسیده است.

اتحادیه اروپا نیز حفاظت از محیط‌زیست را به‌عنوان وظیفه‌ای مهم برای نهادهای خود برشمرده و پس از پیمان ماستریخت آن را به تصویب همه دولت‌های عضو رسانده و آن‌ها را ملزم به پیش‌بینی قوانین زیست‌محیطی در قوانین داخلی خود نموده است. در برزیل نیز یک وزارتخانه ویژه محیط‌زیست تشکیل شده است که وظیفه پرداختن به مسائلی چون اتخاذ یک سیاست ملی برای حفاظت از محیط‌زیست و منابع آن و حفاظت و استفاده پایدار از اکوسیستم و تنوع زیستی و جنگل‌ها و همچنین مقرر نمودن سیاست‌هایی برای یکپارچه‌سازی تولید با حفظ محیط‌زیست - که همگی توسط قوانین لازم، پیگیری و دنبال شوند - به آن محول گردیده است. (Mousavi, 2012)

دولت جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که همواره تلاش نموده است ضمن شرکت مؤثر در کنفرانس‌های بین‌المللی مربوط به تدوین مقررات بین‌المللی محیط‌زیست، بدون وقفه و یا حداقل با سرعت بیشتری نسبت به بسیاری دیگر از دولت‌ها، زمینه تبدیل آن مقررات را به قانون داخلی فراهم آورد. حفاظت از دریاها، حفاظت از هوا، تأکید بر مبارزه با مواد کاهنده لایه اوزون، مقابله با تغییرات اقلیمی و مقابله با تجارت گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری در معرض انقراض از جمله مواردی است که نظام جمهوری اسلامی ایران به دنبال تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط، اقدام به تدوین قوانین داخلی نمود. نمونه دیگری که دولت جمهوری اسلامی ایران به تدریج، اصول و قوانین

کشورها چالش‌هایی چون آغاز تعقیب کیفری، استرداد بزهکاران، قانون صالح و ... را به وجود می‌آورد؛ از این رو، کشورها در فرایند جرم‌انگاری تنها به رفتارهایی توجه می‌کنند که در مرزهای داخلی آن‌ها، خطرآفرین باشد. مشکلات مربوط به تعقیب کیفری، استرداد و ... آن‌چنان است که حتی در صورت علم کشورها به برخی رفتارهای مخرب و دغدغه‌مند بودن در آن حوزه، باز آن رفتارها را جرم‌انگاری نمی‌کنند و صرفاً برخی چالش‌های درون کشور را با پاسخ کیفری مواجه می‌سازند؛ از این رو اختیار مطلق نظام‌های سیاسی در فرایند جرم‌انگاری موجب شده است تا نظرات فعالان جرایم فرامرزی مبنی بر جرم‌انگاری رفتارهای مخرب بین‌المللی، نادیده گرفته شود. (Keshavarz, 2015)

بدون شک، یکی از رفتارهای مخرب فرامرزی، جرایم زیست‌محیطی است که به اقتضای خود، وصف بین‌المللی پیدا می‌کند؛ به‌عنوان مثال، آلودگی‌های رودخانه‌های مرزی همچون رود رن در فرانسه و سوئیس، آلودگی دریای خزر در هر یک از کشورهای ایران، روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان و تخریب محیط‌زیست خلیج فارس در کشورهایی چون ایران، عربستان، عراق، کویت، بحرین و ... به کشور دیگر سرایت می‌کند. در این حالت، بنا به دلایل پیش‌گفته، کشورها تمایل چندانی به جرم‌انگاری رفتارهای مخرب محیط‌زیست ندارند. به‌عنوان مثال، کشور عراق، تنها در قبال جرایم زیست‌محیطی خلیج فارس در قلمرو سرزمینی خود حساس است و به سرایت آلودگی به کشورهای دیگر، اهمیتی نمی‌دهد. این امر علاوه بر آنکه مسئولیت‌پذیری بین‌المللی کشورها را زیر سؤال می‌برد در بلندمدت، منجر به تخریب محیط‌زیست طبیعی نیز می‌شود.

(Fahimi & Mashhadi, 2019)

در تحلیل جرایم زیست‌محیطی در نظام عدالت کیفری ایران در این قلمرو به نکته جالبی می‌رسیم و آن این است که در مجموعه قوانین زیست‌محیطی در ایران، از جمله قوانین صید و شکار

اصلاحی ۱۹۹۶، نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۹۹۵، مدیریت پسماندها مصوب ۲۰۰۴، حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها مصوب ۱۹۶۷، تعزیرات ۱۹۹۶، حفظ اراضی و باغ‌ها مصوب ۱۹۹۵، حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی مصوب ۱۹۹۵، مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای خزر مصوب ۱۹۹۳، مجازات صید غیرمجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب ۱۹۷۹، حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی مواد نفتی مصوب ۱۹۷۵، اصلاح قوانین و مقررات استاندارد اصلاحی ۱۹۹۷، حفاظت و بهسازی محیط‌زیست اصلاحی ۱۹۹۲، قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها اصلاحی ۲۰۰۹، به جرایم زیست‌محیطی فرامرزی هیچ اشاره‌ای نشده است.

#### ۶- چالش‌های سیاست جنایی قضایی در مواجهه با جرایم انتقال بدون مجوز خاک

##### ضعف رویه قضایی و عدم باور قضات به اهمیت موضوع

واضح و مبرهن است که صرف وضع قانون، بدون وجود ضمانت اجرای مناسب و کافی و یا به بیان دیگر، قواعد و مقررات کیفری و بازدارنده، تا حدود زیادی موجبات تعلل و اهمال مخاطبان آن را فراهم آورده و زمینه‌ساز بروز سلیقه‌ای مبتنی بر منافع آنان می‌شود. بدین معنا که دولت‌ها، افراد - اعم از حقیقی و حقوقی - و همچنین نهادها و ارگان‌های دولتی دست‌اندرکار، فقط زمانی خود را ملزم به اجرای قواعد و مقررات می‌کنند که منافع آنان ایجاب نماید. در غیر این صورت، خود را مقید به اجرای قوانین نمی‌بینند، و از آنجا که هیچ نیروی قاهره‌ای برای اجبار آنان به تقید به قوانین وجود ندارد اعمال آنان صرفاً به صلاحدید آنان واگذار می‌گردد. وضع و تصویب قانون در حوزه محیط‌زیست و منابع طبیعی نیز از این قاعده مستثنی نیست. لزوم اتخاذ یک سیاست کیفری کارآمد که متضمن انتخاب آگاهانه و مناسب جرم‌انگاری‌ها و مجازات‌های هدفمند باشد، از اصول اساسی در زمینه صیانت از محیط‌زیست و منابع طبیعی موجود در آن است. قوانین ماهوی

زیست محیطی برای اینکه بتوانند مؤثر واقع شوند باید توسط یک سری قواعد کیفری که در آن‌ها جرائم زیست محیطی تعریف و یا مصادیق آن‌ها عنوان و برای هریک از آن‌ها مجازات‌های لازم تمهید شده باشد مورد حمایت قرار گیرند. بدیهی است که چنانچه با دقت لازم، ضمانت‌اجراهای کیفری پیش‌بینی نگردد نظام عدالت کیفری در وصول به اهداف خود ناکام خواهد ماند. امروزه که در آن‌ها جرائم زیست محیطی تعریف و یا مصادیق آن‌ها عنوان و برای هریک از آن‌ها مجازات‌های لازم تمهید شده باشد مورد حمایت قرار گیرند. بدیهی است که چنانچه با دقت لازم، ضمانت‌اجراهای کیفری پیش‌بینی نگردد نظام عدالت کیفری در وصول به اهداف خود ناکام خواهد ماند. امروزه پاسخ‌های کیفری را نسبت به جرائم زیست محیطی از دو بعد می‌توان مورد مطالعه و بررسی قرار داد: اول: نحوه انتخاب ضمانت‌اجراها و یا به بیان دیگر، مجازات‌ها که باید متناسب با شدت و وخامت جرائم ارتكابی باشد.

دوم: نحوه برخورد و مواجهه قضات با مجازات‌های پیش‌بینی شده در قوانین کیفری که باید همواره به صورتی جدی و قاطع صورت گیرد.

به طور قطع، فقدان هر یک از ابعاد فوق‌الذکر می‌تواند منجر به ناکارآمدی نظام کیفری در زمینه حفظ محیط زیست گردد. برای مثال، انتخاب ضمانت اجرا باید به گونه‌ای صورت بگیرد که عملاً به هدف از وضع آن - که همان بازدارندگی است - دست یافت؛ به نحوی که اشخاص مرتکب جرم، دوباره مرتکب جرم نشوند و سایر تابعان حقوق کیفری نیز با توجه به نوع کیفر انتخاب شده، ارتکاب جرم را به عنوان ابزاری برای نیل به اهداف خود انتخاب نکنند، چراکه در بسیاری از موارد، جرائم زیست محیطی توسط اشخاص مطلع جهت رسیدن به سود بیشتر و با محاسبه قبلی صورت می‌گیرد؛ بنابراین چنانچه مجازات‌های انتخابی توسط قانون‌گذار، موازنه فوق را به نفع حفاظت از محیط زیست سنگین نکند شاهد عدم تأثیر مناسب مجازات‌ها در عمل خواهیم بود.

حقوق کیفری با تعیین و انتخاب جرم‌انگاری‌ها و ضمانت‌اجراهای مناسب، به تمامی اهداف خود نائل نمی‌شود بلکه باید در کنار موضوعات فوق، سیاست منسجم و منظمی جهت تعقیب دعاوی زیست محیطی نیز داشته باشد. لذا برای اینکه این مهم عملی گردد نخست باید سیاست‌های تعقیب دعاوی زیست محیطی تعریف و تبیین شده و متعاقب آن، ضابطین دادگستری متخصصی در این زمینه وجود داشته باشند که همواره از آموزش‌های لازم برخوردار شوند. همچنین در کنار این تدابیر، قضات مخصوصاً در مناطق پرخطر زیست محیطی معرض خطر است، ایجاد شود و در این زمینه، همواره آموزش‌های لازم وجود داشته باشد تا قضات کیفری با حساسیت موضوع آشنا گردند و نسبت به جرائم، واکنش لازم و مناسب از خود بروز دهند. مطالعه اجمالی رویه قضایی بسیاری از کشورها، به خصوص کشورهای در حال توسعه در خصوص جرائم زیست محیطی، این واقعیت را برملا می‌سازد که رسیدگی قضات به آن‌ها همواره بر مسامحه و ارفاق استوار است و یکی از دلایلی که باعث چنین وضعیتی شده، این است که در اذهان قضات و دیگر مأموران اجرایی، ارزش‌های زیست محیطی، چندان مهم و چشمگیر جلوه نمی‌کند؛ و به همین دلیل، به استفاده از ابزارهای کیفری در جهت حل معضلات زیست محیطی تمایلی بروز نمی‌دهند. به نظر می‌رسد که موضوعات زیست محیطی به عقیده قضات، به اندازه سایر جرائم جامعه را تهدید نمی‌کنند، در حالی که امروزه، محیط زیست در کنار سایر حقوق اساسی نظیر حق حیات، از جایگاه والایی برخوردار است؛ لذا تلاش برای حفظ و حمایت از آن باید از اولویت‌های دولت‌ها باشد. (Babaei &

(Davari, 2012)

#### رابطه نامتوازن نظام اقتصادی و حفاظت از محیط زیست

همان‌طور که می‌دانیم به منظور به حرکت درآوردن چرخ اقتصاد و تأمین کالاها و خدمات برای جوامع انسانی، باید مواد اولیه (مواد خام و سوخت) را از طبیعت استخراج و فرآوری نمود و به دنبال

## ۷- چالش‌های سیاست جنایی اجرایی در مواجهه با جرایم انتقال بدون مجوز خاک

با توجه به رشد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، جرایم انتقال بدون مجوز خاک به شدت پیچیده‌تر و فراگیرتر شده‌اند. از این رو، به‌روزرسانی قوانین و دادرسی‌های کیفری در پاسخ به این تهدیدات ضروری است. در نتیجه، کشورها باید قوانینی خاص برای مقابله با این نوع جرایم تصویب کنند. این قوانین باید تعریف واضح‌تری از جرایم انتقال بدون مجوز خاک داشته باشند، مجازات‌های خاص و کارآمد برای جرایم انتقال بدون مجوز خاک تعیین کنند و سازوکارهای جدید دادرسی برای رسیدگی به این جرایم ارائه دهند. لذا نمی‌توان صرفاً خلأهای تقنینی را با آرای وحدت رویه جبران کرد. (Taghizadeh Ansari, 2023)

**عدم هماهنگی نهادهای اجرایی ایران با نهادهای دیگر کشورها**

پرواضح است که یکی از حقوق عامه که همگان از آن بهره‌مند می‌شوند حق بر محیط‌زیست سالم و ایمن است. تضمین حفاظت از این حق، برخوردی تخصصی و افتراقی را می‌طلبد و یکی از حوزه‌های افتراقی‌سازی، تشکیل دادگاه‌های تخصصی در جرایم زیست‌محیطی است. مشارکت عمومی و حقوقی در مقابله با جرائم زیست‌محیطی، اصل مشارکت علاوه بر حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی، مستلزم مشارکت عموم در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و دسترسی و توسل به مراجع اداری و قضایی در حوزه محیط‌زیست است، که اصطلاحاً تحت عنوان حق بر مشارکت زیست‌محیطی از آن یاد می‌شود. آنجا که محیط‌زیست، کالایی عمومی است بالطبع باید قبول کنیم برای حفظ آن مشارکت مداخله عموم نیازمندیم. اعطای سمت به شهروندان و به‌ویژه سازمان‌ها و انجمن‌های غیردولتی در طرح دعاوی منفعت عمومی، یکی از کارآمدترین شیوه‌های ظرفیت مردمی در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و اجرای کارآمد حقوق محیط‌زیست و طرح دعاوی محیط‌زیست سالم است؛ از این رو بسیاری از کشورها با بهره‌گیری

آن پسماندها را به محیط بازگرداند. این موضوع به‌خوبی ارتباط تنگاتنگ بین نظام اقتصادی و محیط‌زیست را نمایان می‌سازد. از آنجا که فعالیت‌های انسانی به طرق مختلف بر محیط‌زیست تأثیر می‌گذارند طبیعتاً موجبات تخریب آن را در حد وسیعی فراهم می‌آورند. بهره‌برداری‌های بی‌رویه از منابع طبیعی، بدون در نظر گرفتن قابلیت تجدیدپذیری یا عدم تجدیدپذیری آن‌ها به‌منظور برآوردن نیازهای انسانی، منجر به پیدایش نظرات مختلفی از سوی اقتصاددانان و اندیشمندان محیط‌زیست در قالب ابزارهای اقتصادی بهره‌برداری از محیط‌زیست گردیده که این، خود گویای لزوم تلاش برای متوازن نمودن نظام اقتصادی و صیانت و حفاظت از محیط‌زیست است. در واقع، این گروه از اندیشمندان معتقدند که اگرچه قانون و مقررات محیط‌زیستی از اهمیت بسزایی در حفاظت از محیط‌زیست برخوردارند اما با توجه به گستردگی ابعاد معضلات زیست‌محیطی و تعدد بهره‌برداران و تولیدکنندگان آلودگی، پیش‌بینی نمی‌شود که این مقررات به‌تنهایی قادر به حل مشکلات محیط‌زیست برآیند، بلکه اینجا سازوکارهای اقتصادی هستند که در شکل‌گیری رویکرد سیاست‌گذاران و مدیران، نقش تکمیلی داشته و بر کارآمد کردن قانون و مقررات، تأثیر غیرقابل‌انکاری خواهند داشت. در واقع، برای تصمیم‌گیری درباره مشکلات و پیامدهای زیست‌محیطی و ارزیابی اثرات آن در فعالیت‌های توسعه‌ای، ابزارهایی در نظر گرفته شده است و اما مهم‌ترین دلایل و ضرورت‌های پیش‌بینی ابزارهای اقتصادی برای حفاظت از محیط‌زیست نظیر، عوارض، از جمله عوارض محصول و عوارض انتشار، مالیات‌ها و مشوق‌های اخلاقی و همچنین ابزارهای کنترلی مانند استاندارد فناوری به موازات ضمانت اجرا و غیره را کمک به مدیران تصمیم‌گیران جهت اتخاذ تصمیم بهتر و معقول‌تر که کمترین تبعات زیست‌محیطی را داشته باشند، می‌دانند.

(Bigzadeh & Afshari, 2011)

از تمامی تلاش‌های حقوقی اعم از قوانین موضوعه و تفسیر قضایی مناسب، راه را برای منفعت عمومی هموار کرده‌اند. در نظام حقوقی ایران، مشارکت مردم در اداره جامعه یکی از موضوعات مهمی است که در اصول سوم، ششم، هفتم، هشتم، پنجاه و ششم، پنجاه و نهم و یکصد و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن تأکید شده است. مطرح نمودن سازمان‌های مردم‌نهاد در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۲۰۱۳، یکی از جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی است که علاوه بر جنبه حمایتی از بزه‌دیده، به‌ویژه بزه‌دیدگان خاص، نقش مهمی در تحقق حقوق شهروندی و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی ایفا می‌کند؛ مضافاً اینکه در حوزه‌هایی که مدعی‌العموم به‌سادگی نمی‌تواند به آن‌ها ورود کند و بحث تعقیب دچار مشکل می‌شود سازمان‌های مردم‌نهاد که امروزه برخی آنان را دادستان خصوصی یا شبه‌دادستان می‌نامند در تعامل با دادستان قرار گرفته و سعی می‌کنند حامی حقوق افراد و جامعه باشند. با وجود این، عدم پیش‌بینی حقوق شاکی برای سازمان‌های مردم‌نهاد، تا حد زیادی دامنه کارآمدی این مقرر را کاهش می‌دهد. (Najafi Abrandabadi, 2013)

توضیح مطلب اینکه در حقوق کیفری، مفهوم شکایت، متفاوت از مفهوم اعلام جرم است؛ به‌طوری که به درخواست تعقیب جرمی که صرفاً دارای حیثیت و جنبه عمومی باشد اعلام جرم می‌گویند؛ یعنی هر شخصی می‌تواند اعلام جرم کند و تعقیب مجرم را از دادستان بخواهد؛ اما چنانچه جرمی جنبه خصوصی داشته باشد فقط شاکی خصوصی می‌تواند شکایت کند و در صورت عدم شکایت، تکلیفی برای دادستان ایجاد نمی‌شود؛ بنابراین مفاد ماده ۶۶ مبنی بر حق شرکت سازمان‌های مردم‌نهاد در تمام مراحل دادرسی بدون حق مداخله در فرایند دادرسی و امکان اقامه دلیل و اعتراض به تصمیمات یا آرای قضایی است که رسالت دادخواهی سازمان‌های مردم‌نهاد را در حد تماشاگر فرایند دادرسی کاهش داده است. علاوه بر این، تبصره سوم ماده ۶۶ نیز برخلاف قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران شرطی غیرقابل‌توجیه، یعنی تصویب اسامی سمن‌ها توسط رئیس قوه قضائیه را در روند دادخواهی آن‌ها ایجاد نموده است؛ به عبارت دیگر، یک سمن که تبعاً مطابق اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیازی به اخذ مجوز ندارد، اگر اجازه تأسیس را از وزارت کشور کسب کرده و موجودیت قانونی و حقوقی نیز داشته باشد، ممکن است در لیست تهیه‌شده توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور قرار نگیرد یا نام وی به تصویب رئیس قوه قضائیه نرسد و از حق اعلام جرم نیز محروم شود. (Rafahi, 2016) این در حالی است که در بسیاری از کشورها نظیر دانمارک، سوئد، ایتالیا و نروژ، سمن‌های زیست‌محیطی، نقش مؤثری را در ابعاد تقنینی، قضایی و اجرایی ایفا می‌کنند؛ برای مثال، در کشور ایتالیا جرایمی که علیه محیط‌زیست واقع می‌شود، سمن‌های زیست‌محیطی ضمن اعلام جرم به پلیس محلی و طرح شکایت، اجازه حضور در دادگاه، دفاع و اعتراض به آرای صادرشده را دارند و از پرداخت هزینه دادرسی نیز معاف می‌باشند؛ اکنون در حوزه اتحادیه اروپا، بیش از هفتصد و چهل سمن زیست‌محیطی در ابعاد مختلف اعم از آلودگی هوا، خاک، آب، آلاینده‌های شهری ناشی از پسماندها و غیره مشغول به فعالیت هستند که ضمن حفظ استقلال خود، از حمایت‌های مادی و معنوی دولت‌ها نیز بهره‌مند می‌شوند. آخرین جلوه پذیرش مشارکت‌گرایی در نظام عدالت کیفری ایران را می‌توان در «دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه» مصوب ۷ فوریه ۲۰۲۰ رئیس قوه قضائیه مشاهده نمود که اهداف خود را تقویت رویکرد مشارکت مردمی و افزایش تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه بند الف ماده ۲، تسهیل عملکرد نهادهای مردمی در موضوعات این دستورالعمل بند ب ماده ۲، ارتقای توانمندی و تقویت ظرفیت نهادهای مردمی بند پ ماده ۲ و بهره‌مندی از ظرفیت نهادهای مردمی در راستای تحقق اهداف قوه قضائیه بند ت ماده ۲ برشمرده و حوزه‌های

مشارکت و فعالیت نهادهای مردمی را در موارد ذیل تعیین می‌نماید:

مشارکت در سیاست‌گذاری مواد ۱۴ و ۱۵؛ مشارکت در پیشگیری از جرم مواد ۱۶ الی ۱۹؛ مشارکت در حمایت از بزه‌دیدگان مواد ۲۰ تا ۲۲؛ مشارکت در میانجی‌گری و صلح و سازش مواد ۲۳ تا ۲۷؛ مشارکت در نظارت بر اجرای قوانین مواد ۲۸ و ۲۹؛ مشارکت در فرایند رسیدگی مواد ۳۰ الی ۳۳؛ مشارکت در بازاجتماعی شدن متهمان و مجرمان مواد ۳۴ تا ۴۵. وجود ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۲۰۱۳ و دستورالعمل اخیرالتصویب رئیس قوه قضائیه، نگاه به قوانین و مقررات مصوب در زمینه محیط‌زیست به‌طور خاص، از جمله قانون شکار و صید، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، آیین‌نامه اخذ ورودی از پارک‌ها و موزه‌ها، قانون مجازات صید غیرمجاز در دریا و غیره، مؤید این مطلب است که در این متون قانونی، اشاره‌ای به حق اقامه دعوی توسط اشخاص خصوصی و یا سازمان‌هایی که متصدی امر حفاظت محیط‌زیست نمی‌باشند، نشده است. تنها در بند «ط» ماده ۳۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۰۱۷، قانون‌گذار امکان مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی را به‌صورت محدود و در تهیه، تدوین و اجرای برنامه‌های حفاظت از محیط‌زیست پیش‌بینی نموده است... این امر، به نوبه خود بر تردید رویه قضایی نسبت به پذیرش مشارکت عمومی در زمینه مقابله با جرایم زیست‌محیطی و پیشگیری از آن‌ها افزوده و فرایند مزبور را با اختلال مواجه نموده است. (Vahedi & Lorkajouri, 2019)

#### عدم پویایی دستگاه‌های اجرایی و تطبیق با نیازهای روز

ماهیت خاص جرایم مربوط به خاک به گونه‌ای می‌باشد که پذیرش آن‌ها را در مراجع قضایی با چالش‌های ویژه‌ای مواجه کرده است. به‌منظور مقابله با این چالش‌ها، مأموران پلیس باید به روش‌های خاص و جدید جمع‌آوری دلایل مذکور مطابق با نیازهای روز که

مربک از چهار مرحله جمع‌آوری مدرک، بررسی، تجزیه و تحلیل و ارائه گزارش می‌باشد، دست یافته و به نحو صحیحی اجرا نمایند. با توجه به ویژگی فرامرزی بودن برخی از جرایم خاک، قانون ایران و کنوانسیون مرتبط راهکاری در خصوص جمع‌آوری موجود در خارج از مرزهای کشور ارائه نکرده‌اند و این امر به‌عنوان مهم‌ترین چالش در پلیس امنیت کشورها مطرح شده و راهکاری در این خصوص ارائه نشده است. این عدم پویایی با نیازهای روز در قالب چالش‌های فنی قابل توجه و بررسی می‌باشد. (Ebrahimi, 2015)

#### چالش فنی و عدم تخصص کافی سیستم‌های فناوری نظارت و کنترل در گمرکات

نداشتن تخصص کافی نهادهای اجرایی همگام با پیشرفت روزافزون فناوری‌ها در راستای تعقیب و کشف جرایم رایانه‌ای نیز چالش دیگری محسوب می‌شود. نتایج سوء ناشی از عدم هماهنگی سطح دانش نیروهای پلیس در سال‌های اخیر از نظر نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای مسئول مبارزه با جرایم انتقال و قاچاق خاک پوشیده نمانده و آنان نیز به این اجماع دست یافته‌اند که هرگونه تلاش برای ایجاد فضای امن و پیشگیری مؤثر از جرایم انتقال و قاچاق خاک در گام نخست، نیازمند دانش تخصصی همگام با شیوه‌های نوین ارتکاب جرم می‌باشد.

در حال حاضر ایران جزو صادرکنندگان تکنولوژی رایانه‌ای در دنیا نیست و به تبع، پلیس ایران نیز در زمینه شناسایی، کشف، جمع‌آوری ادله و پی‌جویی جرایم دارای ضعف‌هایی می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که هرساله شاهد ورود خسارت‌های هنگفت مالی و حیثیتی به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی هستیم. همچنین، میزان اعتبار ادله جمع‌آوری توسط ضابطان از دیگر چالش‌های بحث است. هرچند به نظر می‌رسد ادله الکترونیکی در چارچوب نظرات کارشناس اعتبار می‌یابد، ولی نوع نگاه مراجع رسیدگی‌کننده به جرایم انتقال و قاچاق خاک و میزان تخصص و آشنایی آن‌ها با

را کشف کند، ولی نیاز به تقویت همکاری‌های بین‌دستگاهی و فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب یک ضرورت است.

(Taghizadeh Ansari, 2023)

امروزه اقدامات تروریستی در فضای جرایم انتقال خاک متوجه دولت‌هاست که از ویژگی‌های این می‌توان به ناشناخته بودن و سرعت یادشده اشاره کرد و معمولاً این‌گونه پس از وقوع شناسایی می‌شوند. برای جلوگیری از قاچاق، استفاده از نیروهای قابل اعتماد و متخصص در نظارت گمرک اهمیت بسیار بالایی دارد. این افراد باید دارای دانش کافی از قوانین و مقررات گمرکی، تجربه در فرایندهای ترخیص کالا، و مهارت‌های لازم در شناسایی کالاهای قاچاق باشند. همچنین، داشتن ویژگی‌هایی مانند امانت‌داری، وقت‌شناسی و توانایی مدیریت دقیق مراحل گمرکی برای این نیروها ضروری است. آموزش مستمر پرسنل گمرک در مبارزه با قاچاق و استفاده از فناوری‌های مدرن نیز به افزایش کارایی نظارت کمک می‌کند. علاوه بر این، برخورداری از مجوزها و صلاحیت‌های رسمی نشان‌دهنده تخصص و اعتماد به این نیروها است که می‌تواند در بهبود امنیت اقتصادی کشور نقش مهمی ایفا کند.

از سوی دیگر، استفاده از تجهیزات پیشرفته مانند دستگاه‌های ایکس‌ری کانینتری و سیستم‌های امنیتی مدرن در مرزها به همراه نظارت دقیق این نیروهای متخصص، تضمین‌کننده جلوگیری از ورود و خروج غیرقانونی کالاها است.

بنابراین، برای ارتقای نظارت گمرک و مقابله مؤثر با قاچاق:

جذب نیروهای متخصص و قابل اعتماد با دانش و مهارت گمرکی کافی الزامی است.

آموزش و توانمندسازی مستمر پرسنل در زمینه کشف و مقابله با قاچاق اهمیت دارد.

استفاده از فناوری‌های کنترل مدرن باید در کنار نیروی انسانی کارآمد به کار گرفته شود.

ادله الکترونیکی نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت تعقیب و اثبات این جرایم دارد. جهت تقویت در این حوزه باید به آخرین نوآوری‌ها دست یافته و از طریق همکاری با اینترنت و یوروپل از تجارب آن‌ها بهره‌مند شد. همچنین ضرورت ایجاد یک نهاد پلیسی بین‌المللی مرتبط با جرم سایبری مانند تشکیل پلیس جهانی اینترنتی می‌تواند نقش پررنگی در مقابله با این جرایم ایفا نماید.

(Shamloo, 2017)

از چالش‌های فنی جرایم انتقال و قاچاق خاک می‌توان به عدم تناسب آموزش‌های تخصصی با نیازهای جامعه، امنیت پایین شبکه‌های نظارت گمرکی نام برد. در بحث افزایش ایمنی داخلی بخش خاک، آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، ارتقای ایمنی این سامانه‌هاست. به‌منظور ارتقای ایمنی سامانه‌های داخلی این بخش، نخست باید بودجه‌ای برای به‌روزرسانی این سامانه‌ها توسط کشورها در سطح داخلی لحاظ گردد. ضعف نظارت سامانه‌های گمرکی در حوزه انتقال قاچاق به دلایل مختلفی از جمله عدم همکاری برخی دستگاه‌ها، نبود هماهنگی سیستمی، ضعف زیرساخت‌ها و عدم اتصال به سامانه‌های مرتبط مانند سامانه سازمان بنادر رخ می‌دهد. این مسائل موجب می‌شود که اطلاعات به‌روز و صحیح به دستگاه‌های نظارتی نرسد و در نتیجه نظارت مؤثری بر واردات و صادرات کالاها انجام نشود. همچنین، ضعف در زیرساخت‌های فنی، مانند عدم وجود سخت‌افزارهای پیشرفته اسکن و تجهیزات مناسب، باعث کندی در کنترل کانینرها و رصد کالاهای قاچاق می‌گردد.

از سوی دیگر، قانون مبارزه با قاچاق سال ۲۰۱۳ باعث تضعیف جایگاه گمرک در انجام وظایف خود شده و مسئولیت‌های آن به سایر نهادها واگذار شده است، که این موضوع به نبود یک متولی تخصصی برای مبارزه با قاچاق منجر شده و مقابله با قاچاق را سخت‌تر کرده است. باوجود این ضعف‌ها، گمرک با به‌کارگیری سامانه جامع گمرکی توانسته است بعضی پرونده‌های بزرگ قاچاق

مجوزها و صلاحیت‌های قانونی نیروها تضمین‌کننده کیفیت و قابلیت اعتماد آن‌هاست.

### نتیجه‌گیری

از آن جهت که قوانین کیفری از ارزش‌های اجتماعی و اساسی برخوردار است و ضمانت‌اجراهای موجود در آن تأثیرگذاری زیادی بر عدم تکرار جرایم و پیشگیری از جرایم دارد. از این رو زمانی که شخص مرتکب یکی از جرایم زیست‌محیطی شده است از طریق مجازات‌های در نظر گرفته‌شده متوجه نادرستی عمل خود می‌شود و دیگر بار اقدام به ارتکاب آن جرم نمی‌کند، پس به نوعی می‌توان بیان نمود سیاست‌های اعمال‌شده کیفری گامی در جهت حمایت از محیط‌زیست به‌خصوص حفاظت از می‌باشد. مجازات‌های در نظر گرفته‌شده در این قانون در زمره مجازات‌های تعزیری و اغلب به‌صورت جریمه یا جزای نقدی می‌باشد که علاوه بر مؤثر بودن بر شخصیت مرتکبین بهتر از مجازات‌های دیگری چون حبس می‌باشد. جلوگیری از قاچاق خاک نیز از جمله عوامل مؤثر هم برای پیشگیری و هم برای تکرار وقوع این جرم از جمله نکات مثبت در حیطه جرایم مربوط در این قانون می‌باشد. دادن اختیار به مأمورین محیط‌زیست و سازمان جهاد کشاورزی به‌عنوان ضابطین دادگستری جهت کشف و تعقیب جرایم در کنار سایر ضابطین دادگستری گامی در جهت حفاظت بهتر و کشف جرایم در خصوص این منبع مهم و حیاتی است. همچنین ایجاد شعبه‌ای تخصصی به‌منظور رسیدگی به جرایم مربوط به خاک موجب رسیدگی سریع‌تر و دقیق‌تر به جرایم مربوطه است. البته بهتر آن بود که جهت نیل به اهداف کلی در خصوص سیاست‌های کیفری از تدوین قوانین پی‌درپی که در خلال هر کدام قسمتی به جرایم مختص هر قانون پرداخته شده است، با تدوین قانونی کلی چون مجموعه قوانین کیفری محیط‌زیست که شامل سایر جرایم در خصوص تمامی منابع زیستی باشد، از وجود جرم‌انگاری‌های زیاد

که منجر به عدم آگاهی یا سردرگمی آحاد مردم جامعه می‌شود جلوگیری شود.

حمایت کیفری از خاک در سه بخش قابل تحقیق می‌باشد. بخش اول: قانون‌گذاری و جرم‌انگاری در مورد رفتارها و اقداماتی است که به نحوی باعث آسیب نسبت به خاک می‌شوند. در این بخش مقررات بسیار کمی حمایت از خاک را بر عهده دارند، لذا لازم است مقنن جمهوری اسلامی با عنایت به تنوع جرایم احتمالی بر روی خاک با یک کارشناسی و مطالعات دقیق خلأهای قانونی را برطرف تا پیشگیری کیفری بهتری صورت گیرد. بخش دوم: حمایت قضایی از خاک توسط محاکم و دادسراهای سراسر کشور و به‌خصوص پررنگ کردن نقش دادستان‌ها با اعطاء اختیارات قانونی بیشتر، امکان رسیدگی سریع‌تر و دقیق‌تر فراهم شود؛ به‌گونه‌ای که نباید دادستان‌ها منتظر بمانند تا مأموری طرح شکایت بکند و سپس دادستان وارد رسیدگی شود، بلکه دادستان‌ها رأساً اختیار قانونی شروع به رسیدگی به جرایم علیه خاک و محیط‌زیست را داشته باشند.

بخش سوم: که بخش اجرایی و اجرای وظایف توسط مأمورین و مسئولین اجرایی وزارت جهاد کشاورزی یا محیط‌زیست و سایر ادارات می‌باشد، مسئله نظارت و بازرسی با جدیت بیشتری صورت گیرد و نباید از بازرسی دوره‌ای غافل شد؛ چراکه در برخی موارد جلوگیری کردن از هرگونه آسیب جدی به خاک بسیار مفیدتر از طرح شکایت و پیگیری‌های قضایی و در نهایت محکومیت‌های به جزای نقدی و یا حتی حبس، چندان مؤثر در ترمیم آثار زیان‌بار آسیب به خاک و محیط‌زیست نخواهد بود. در فقه اسلامی و شیعه نیز احادیث و روایات زیادی حرمت و حمایت از خاک را به‌عنوان یکی از اصول مهم زندگی بشر محسوب نموده است، لذا با عنایت به اینکه در مجازات‌های تعزیری دست حاکم باز می‌باشد بنابراین می‌توان بر این اساس حمایت مؤثرتری از

آن جزء مصادیق آن به شمار می‌رود حرام می‌باشد و حفظ محیط‌زیست از خطرات احتمالی واجب به نظر می‌رسد. فرسایش خاک مهم‌ترین چالش زیست کره خواهد بود. اگر از خاک‌های موجود به‌خوبی حفاظت نشود، بحران گرسنگی سرتاسر کره زمین را تحت سیطره خود درخواهد آورد.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### EXTENDED ABSTRACT

Soil constitutes one of the most strategic, finite, and ecologically indispensable natural resources, and its degradation, unauthorized removal, commercial transfer, and smuggling have increasingly emerged as significant environmental and criminal-law concerns. Soil performs fundamental ecological functions by supporting plant growth, maintaining nutrient cycles, regulating water retention and infiltration, preserving biodiversity, contributing to food security, and sustaining broader ecosystem services. Its formation is extremely slow, while its destruction or removal may occur rapidly and produce practically irreversible consequences. For this reason, contemporary environmental law increasingly treats soil not merely as a privately exploitable commodity but as an environmental asset associated with public welfare, sustainable development, intergenerational equity, and national security. In Iran, unauthorized soil transfer and soil smuggling have gained particular importance because fertile agricultural soils, rangeland soils, industrial soils, and certain mineral or colored soils may possess

خاک به عمل آورد. حمایت کیفری از خاک در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از:

قانون مجازات اسلامی، قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب ۲۱ ژوئن ۱۹۹۵، ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی الحاقی ۲۳ اکتبر ۲۰۰۶.

حقوق کیفری ایران پاسخ‌های مختلفی در برابر جرائم محیط‌زیستی دارد. از جمله این پاسخ‌ها می‌توان به:

حبس، حبس و جزای نقدی، جزای نقدی و مصادره، جزای نقدی و ضبط عین مال، جزای نقدی و مصادره و تعطیلی موقت، حبس یا جزای نقدی یا هر دو.

با دقت نظر در آراء فقها به این نتیجه می‌رسیم که حکم شرعی آلودگی محیط‌زیست که آلوده کردن خاک و تخریب و از بین بردن

considerable economic value and may be transferred domestically or exported unlawfully. Such conduct can contribute to erosion, declining agricultural productivity, desertification, ecological imbalance, loss of nutrients, and long-term economic damage. The criminal-law protection of soil should therefore be understood within the broader framework of environmental criminal policy, which combines criminalization, punishment, prevention, judicial intervention, administrative supervision, and public participation. Iranian environmental criminal policy has gradually developed through constitutional provisions, general environmental legislation, criminal statutes, soil-protection legislation, and development programs; nevertheless, fragmentation, inconsistent enforcement, insufficient specialization, and institutional weaknesses continue to restrict its effectiveness (Iravaniyan et al., 2021; Shakeri et al., 2021; Taghizadeh Ansari, 2023; Vahedi & Lorkajouri, 2019). Accordingly, the present study examines the foundations and necessities of criminalizing unauthorized soil transfer, the environmental and economic consequences of

such conduct, the adequacy of existing substantive and procedural mechanisms, and the major legislative, judicial, preventive, and executive challenges affecting the protection of soil resources.

The study adopts a descriptive-analytical legal methodology based on the examination of Iranian criminal law, environmental regulations, constitutional principles, soil-protection provisions, judicial and administrative mechanisms, and relevant criminological approaches. The analysis proceeds from the premise that criminalization constitutes a legislative process through which specific acts or omissions are defined as prohibited and subjected to penal sanctions because they threaten values considered sufficiently important to justify criminal-law intervention. In the environmental context, criminalization is justified where ordinary civil, administrative, or regulatory mechanisms are inadequate to protect essential ecological interests. The legal protection of soil is particularly significant because environmental harm often produces diffuse, cumulative, delayed, and collective victimization, while identifying an individual victim or quantifying immediate loss may be difficult. Green criminology and environmental criminal policy therefore broaden the concept of victimization beyond conventional individual harm and recognize ecosystems, natural resources, future generations, and communities as potential victims of environmentally harmful conduct (Abbasi, 2016; Keshavarz, 2015; Shamloo, 2017). From this perspective, unauthorized soil transfer encompasses more than conventional cross-border smuggling. Depending on the applicable legal framework, it may involve unlawful extraction, removal, transportation, sale, storage, transfer, or export of soil without the required authorization or contrary to protective regulations. Existing Iranian law

distinguishes, either explicitly or functionally, between agricultural and fertile soils, mineral materials, research quantities, and other categories of soil whose movement may be restricted or conditioned upon authorization. This differentiation is important because the legal treatment of mineral soil differs from that of agricultural or ecologically sensitive soil, while small quantities transferred for legitimate research purposes may be exempted subject to official authorization. The study therefore evaluates criminalization not only in relation to the act of export but also in relation to the wider chain of extraction, transportation, storage, commercialization, and environmental destruction that may precede or accompany unlawful transfer (Abdollahi, 2017; Khanalipour et al., 2016; Mashhadi, 2021).

The findings indicate that the principal justification for strong criminal-law intervention lies in the extensive environmental and economic consequences of soil removal and degradation. Fertile soil contains organic matter, nitrogen, phosphorus, potassium, microorganisms, and other essential components that sustain agricultural productivity and ecological stability. Unauthorized extraction and transfer remove these valuable components from their original ecological setting and may reduce fertility, increase erosion, disturb soil structure, lower water-retention capacity, accelerate desertification, and undermine vegetation cover. Soil degradation can also indirectly intensify water scarcity, dust generation, habitat destruction, biodiversity loss, and climate-related vulnerability. Because soil is either non-renewable on a human timescale or regenerates only very slowly, its large-scale removal represents a depletion of national natural capital rather than an ordinary commercial transaction (Firouzbakhsh et al., 2012; Kardavani, 2003; Rafahi, 2016). The economic implications are

equally serious. Reduced soil fertility lowers agricultural output, threatens farmers' livelihoods, increases dependence on external food supplies, and weakens food security. Illegal soil trade may also constitute a form of raw-resource extraction in which offenders obtain private profit while externalizing ecological and economic costs to society. The environmental harm is especially severe where extraction occurs in forests, rangelands, protected areas, agricultural lands, or ecologically sensitive zones. In such contexts, soil removal may accompany vegetation destruction, habitat fragmentation, unauthorized land-use changes, and pollution of surface and groundwater resources. These effects demonstrate why soil protection cannot rely solely on property law or ordinary administrative rules. Instead, criminal policy must respond to the collective nature of environmental harm and the fact that offenders may calculate expected profits against relatively low sanctions, particularly when enforcement is weak (Fahimi & Mashhadi, 2019; Ramezani Ghavamabadi & Shafighfard, 2016; Zare Mahdavi & Danesh Nari, 2016). Effective criminalization therefore requires sanctions capable of outweighing the economic incentives associated with unlawful extraction and transfer.

The study further demonstrates that Iranian law contains significant but fragmented legal capacities for soil protection. Constitutional environmental principles establish public responsibility for environmental preservation and prohibit economic or other activities resulting in pollution or irreversible environmental destruction. General criminal provisions concerning threats to public health and environmental contamination may also apply to harmful conduct involving soil, while specific soil-protection rules prohibit unauthorized transfer and export and provide penal consequences. At the same time, specialized provisions assign responsibilities

to governmental authorities, environmental agencies, agricultural institutions, judicial officers, and law-enforcement bodies. However, the effectiveness of these rules depends heavily on the coherence of substantive criminalization, proportionality of penalties, institutional coordination, and judicial interpretation. Environmental criminal law must provide clearly defined offenses and sufficiently deterrent sanctions, yet legal certainty must also be preserved so that prohibited conduct, exceptions, authorization procedures, and institutional competences are identifiable in advance (Babaei & Davari, 2012; Heydarzadeh & Mozaffarizadeh, 2013; Pradel et al., 2013). A major challenge is that environmental statutes are dispersed across multiple legislative instruments, creating uncertainty for enforcement authorities and citizens. Furthermore, the existence of legislation does not itself guarantee protection if implementing regulations are incomplete, enforcement agencies lack resources, or penalties are applied inconsistently. Comparative environmental experience shows that many legal systems possess substantial environmental legislation but continue to suffer serious ecological degradation because implementation is weak or administrative and judicial institutions lack sufficient capacity (Mousavi, 2012; Yousefi Kahrizeh & Sadeghi, 2015). In Iran, the problem is therefore not simply the absence of rules; it also concerns the modernization, coordination, implementation, and interpretation of existing rules and the need to integrate soil protection into a coherent environmental criminal policy. Another central finding concerns the procedural, judicial, and preventive dimensions of criminal policy. Environmental offenses are often technically complex and require specialized expertise in ecology, soil science, environmental assessment, criminal evidence, regulatory standards, and economic

valuation. Ordinary criminal justice actors may therefore have difficulty identifying the environmental consequences of conduct or appreciating the seriousness of ecological victimization. Specialized prosecutors, courts, trained judges, professional environmental officers, and technically competent investigators can improve consistency, evidentiary assessment, and the speed of proceedings (Dabiri, 2011; Ebrahimi, 2015; Najafi Abrandabadi, 2013). Effective soil protection also requires preventive mechanisms beyond formal punishment. Customs supervision, electronic monitoring, interagency information exchange, inspection technologies, verification of declared cargo, and coordination between customs authorities, agricultural agencies, environmental organizations, police, and judicial institutions are essential for preventing illegal export and disguising agricultural soil as mineral or industrial material. Weak technological infrastructure, incomplete institutional connectivity, inadequate specialist training, and fragmented responsibility can create enforcement gaps that organized or economically motivated offenders exploit (Shakeri et al., 2021; Taghizadeh Ansari, 2023). Participatory criminal policy is equally important. Environmental nongovernmental organizations, local communities, researchers, journalists, and civil society groups can contribute to monitoring, reporting, public awareness, environmental litigation, and crime prevention. Because environmental damage frequently affects collective rather than individualized interests, restrictive rules governing standing, reporting, participation in criminal proceedings, and access to environmental justice may weaken enforcement. Expanding meaningful participation by qualified civil society organizations can therefore complement state enforcement, strengthen transparency, and

reduce institutional passivity (Ebrahimi, 2015; Ghasemi, 2007; Ramezani Ghavamabadi & Shafaghfar, 2016).

In conclusion, unauthorized soil transfer and soil smuggling should be treated as multidimensional environmental offenses that threaten ecological integrity, agricultural productivity, food security, sustainable development, and national natural capital. An effective response requires more than the formal criminalization of export or unauthorized transportation. Iranian criminal policy should be structured as an integrated legislative, judicial, preventive, participatory, and executive framework capable of regulating the entire chain of unlawful extraction, storage, transportation, sale, transfer, and export. Legislative provisions should define offenses and exceptions with greater precision, distinguish appropriately among categories of soil, establish proportionate but genuinely deterrent sanctions, and avoid excessive fragmentation across separate statutes. Judicial institutions should employ specialized judges and prosecutors with adequate environmental training, while investigative and enforcement bodies should possess the scientific and technological capacity necessary to detect and prove technically complex offenses. Customs controls and interagency data systems should be strengthened to identify concealed or misdeclared soil transfers, and environmental authorities should cooperate systematically with agricultural, industrial, judicial, and law-enforcement institutions. Preventive strategies should also incorporate public awareness, community participation, environmental nongovernmental organizations, periodic inspections, early intervention, and mechanisms enabling prompt reporting of environmental offenses. Ultimately, soil protection should be viewed as a matter of public interest and intergenerational justice rather than merely as

protection of a commercially valuable material. A coherent and specialized criminal policy can reduce enforcement gaps, enhance deterrence, strengthen institutional accountability, and improve the long-term protection of soil resources within the Iranian legal system.

## References

- Abbasi, M. (2016). *Green Criminology*. In (2nd ed.). Mizan.
- Abdollahi, M. (2017). Criminal Protection of the Environment: Reflections on the Requirements of Environmental Criminal Law. *Environmental Sciences*, 5(1), 97-117.
- Babaei, M. A., & Davari, M. (2012). The Criminal Domain and Its Position in the Iranian Legal System. *Criminal Law Teachings*(3).
- Bigzadeh, E., & Afshari, M. (2011). Climate Change from International Security to Human Security in International Law. *Legal Research*(Special Issue 5).
- Dabiri, F. (2011). *Review of Laws and Regulations on Environmental Impact Assessment in Iran*. Ettela'at.
- Ebrahimi, S. (2015). *Collection of International Crime Prevention Practices* (3rd ed.). Mizan.
- Fahimi, A., & Mashhadi, A. (2019). Intrinsic and Instrumental Value in Environmental Philosophy: From Philosophical Approaches to Legal Strategies. *Scientific-Research Quarterly of University of Qom*, 11(1).
- Firouzbaksh, S., Gitipour, S., Valizadeh, R., & Jalaeian Ghorbanzadeh, S. (2012). The Importance of Soil, Pollution Sources, and Methods for Soil Remediation. Tehran.
- Ghasemi, N. (2007). Foundations for the Realization of Environmental Crimes. *Legal Perspectives Quarterly*(8).
- Heydarzadeh, E., & Mozaffarizadeh, S. (2013). Prevention of Environmental Crimes. *Environmental Ethics Quarterly*, 3(7).
- Iravaniyan, A., Rahim Kenar, K., & Paknahad, A. (2021). Crimes Threatening the Public Health of Water and Soil from the Perspective of Criminal Law. *Medical Law Journal*.
- Kardavani, P. (2003). *Geography of Soils*. University of Tehran Press.
- Keshavarz, A. (2015). *Green Crime*. Mizan.
- Khanalipour, S., Aghababaei, H., & Ansari, E. (2016). Animal Rights through the Lens of Critical Criminology of Animal Species. *Criminal Law Research*, 7(2), 105-129.
- Mashhadi, A. (2021). *Annotated Collection of Environmental Laws and Regulations: Fundamental Texts of Environmental Protection* (2nd ed.). Khorsandi.
- Mashhadi, A., & Mohtashami, M. (2015). A Reflection on the Relationship between Intellectual Property Rights and Environmental Rights. *Private Law Studies*, 45(3), 487-504.
- Mousavi, S. F. (2012). *Evolution of the Sources of International Environmental Law*. Mizan.
- Najafi Abrandabadi, A. H. (2013). *An Introduction to Research in the Criminal Justice System: Opportunities and Challenges*. Mizan Legal Foundation.
- Omidi, J., & Yousefipour, F. (2014). The Status and Foundations of Environmental Valuation and the Necessity of Confronting Pollutants in Islamic Jurisprudence. *Studies in Islamic Jurisprudence and Law*, 11.
- Pradel, J., Corstens, G., & Vermeulen, G. (2013). *Criminal Law of the Council of Europe* (1st ed.). Khorsandi.
- Rafahi, H. G. (2016). *Water Erosion and Its Control*. University of Tehran Press.
- Ramezani Ghavamabadi, M. H. (1998). *The Right to Enjoy a Healthy Environment* [Shahid Beheshti University]. Iran.
- Ramezani Ghavamabadi, M. H., & Shafighfar, H. (2016). Sustainable Development and the Right to a Healthy Environment: The Perspective of Future Generations. *World Politics Quarterly*, 5(7), 241-271.
- Sadeghi, H., & Fathi, M. (2009). Culture, Sustainable Development, and the Environment. *Cultural Engineering Monthly*, 3(29-30), 8.
- Shakeri, A., Rezaei, R., & Rahnamazadeh, E. (2021). Criminal Protection of Soil in Imami Jurisprudence and Iranian Law. *Iran Land Affairs Organization Website*.
- Shamloo, B. (2017). Green Victimology: With Emphasis on Iranian Criminal Policy. *Criminal Law Research*, 6(20), 37-67.
- Soleimanabad, L. (2008). Examining the Effects of Land-Use Change on Soil Erosion in the Cheragh Veys Watershed Using Geographic Information Systems. *Journal of Agricultural and Natural Resources Sciences*, 15(1).
- Taghizadeh Ansari, M. (2023). *Environmental Law in Iran*. SAMT.
- Tahanpour, S. (2010). *Criminalization of Environmental Destruction in International Law* [Allameh Tabataba'i University]. Tehran.
- Vahedi, S. S., & Lorkajouri, A. (2019). Environmental Crimes Arising from Soil Pollution with Emphasis on Pollution Caused by Waste Disposal in the Saravan Forest of Rasht. Rasht.
- Various, A. (2009). *Report on Criminalization and Decriminalization in Europe*.
- Yousefi Kahrizheh, T., & Sadeghi, S. (2015). Examining Crimes against the Environment in Light of Iranian Criminal Law. Sanandaj.

Zare Mahdavi, G., & Danesh Nari, H. (2016).  
*International Security and Environmental  
Crimes* (1st ed.). Rounas.